

بز دعوت نموده حضور بهم رسانیده بودند (بارن هیاشی) سفیر ژاپون در آن مجلس صدر مقرر شد و در ضمن صحبت توجیبات و تملقات دوستانه اعلیحضرت (ادورد هفتم) امپراطور انگلستان را در باره دولت ژاپون تقریر نموده ملباب اینکه دومین فرزند خودشان را در سال (۱۸۸۰) بیاحت جزائر ژاپون فرستاده بودند اظهار شده است که این هم از مال اندیش آن اعلیحضرت در باره اتحاد با ژاپون بوده است

§ بسبب انکشاف کوه آتش فشان که شمه از آن را بیان نمودیم در جزیره (مارتینیک) چهل هزار نفر تلف کرده اند

(۱۰ - مئی)

§ مخبر (روتز) از (پریسوریا) خبر میدهد که در هفتم شهر جاری بوژها را قشون انگلیسی تعاقب نموده سیصد و بیست و یک نفر ایشان مقتول و مجروح و اسیر گردیده اند

§ حکومت جزائر (ویندوتز) خبر میدهد که در جزیره (سنت وینسنت) کوه آتش فشان انکشاف گردیده اهالی از آن و اهمه عظیم فرار مینمایند بواسطه خرابی که ازین واقعه بسیمهای تلگراف رسیده است خبر صحیح نمیرسد از غبار و خاکستر کوه آتش فشان مزبور در جزیره (سنت وینسنت) بکافی ربع کره خاکستر ایستاده است

الخبارات خارجه

§ (لارده رابرت) سردار فیروز بخت انگلیس حکم داده که برای استعمال قشون انگلیسی تفنگ جدید الاختراع (سرجارلس راس) را برضه امتحان بیرون آورند

§ دولت روس راه آهن (کشک) را تا (چهل نظران) که در سرحد افغانستان میباشد تمام نموده است

§ افواه است که اگر مصالحه با بوژان تا آخر این ماه انجام پذیرد (لارده کنچر) در جولانی ماه آینده بوطن مألوف خود انگلستان خواهد رفت و چهار ماه از خدمت رخصت حاصل نموده عید میلاد حضرت مسیح را در هندوستان خواهد نمود (یعنی بسهد) سپهسالاری قل قشون هند نائل خواهد گردید

§ بموجب امر پاپالی در مقام (زینون) که واقع

در حلب است قلمه بطرز جدید تعمیر مینمایند
§ (جنرل شاکر یاقا) که یکی از جنرلهای مشهور دولت عثمانی بود شامل جوانان آزادی طلب ترک عقبه گرفتار گردیده است

§ در شهر (خرطوم) سودان بصرف ده هزار لیره انگلیسی کلیسای بسیار فننگ باشان و شوکتی تعمیر شده است

§ دو صوبه افریقا در يك روز ششصد نفر بقبول دین مقدس اسلام نائل گردیده اند

§ در (مینکس) و اصمان قانون آئینی وضع نموده اند که طفلیکه سلین عمرش از هیجده کم باشد و مرتکب شرب و دخانیات گردد مجرم قرار یابد در نوبت اول جرمانه و بعد حبس خواهند نمود و مر دکانداری که به اطفال دخانیات بفروشد مجرم قرار خواهد یافت
§ جهاری که حملش فقط بود در نهر (سوز) خرق شده و بجاه مزار لیرا نقصانی او را مینویسند

§ اخبارات عربی مینویسند که در اسلامبول زنی که پیشاش در یوزه کری بود ترک زندگانی گفته چون لاوارث بود از طرف حکومت بلدیہ خانه او را تلاش کردند چهل هزار لیرای عثمانی متروکه او بقلب آمد و بموجب قانون اموالش در بیت المال شامل گردید
§ رود حیحون طغیانی کرده دوازده قطعه دهات را آب برد نموده نقصان زیاد رسانیده است

§ شب بیست و یکم اپریل در انبارهای نجارتی لندن حریق واقع شده تمام عمارات را پست نموده است میکوبند این حریق بزرگترین حریقهای مییافتد که در لندن از پنج شش سال باین طرف واقع گردیده نقصانی که ازین حریق وارد آمده حساب نموده اند (۲۵۰۰۰۰۰۰) لیره بوده است آنچه ازین نقصانها که در ضمانت (بیمه) بوده یعنی باید کبی (بیمه) قیمتش را بدهد (۱۵۰۰۰) لیره است

§ والا حضرت امیر حبیب الله خان در اواسط ماه ماضی چند روزی کسالت مزاج داشتند بمحمد الله رفیع شده این ایام در دربار حاضر و بمسهم امور سلطنت مشغولند چند روزی هم در مقام (پولی چارکی) بفکار اشتغال داشتند

زیرا که کوفندگان نام تلف شده‌اند - گوشت حقه دوازده قران - روغن حقه بیست و پنج قران - حقه بغداد بیار وزن ایران يك من و نیم تبریز میشود البته این نکته پوشیده نیست که اگر این جمیت که وارد عنبات میشوند خصوصاً ایام زیارتی مخصوص وارد بزرگترین شهرهای ایران یا هند بگردند خطی خواهند انداخت - بازیمه نیست در يك ولایت کوچکی مثل کربلا و نجف دو لك و سه لك زوار بلکه زیاده وارد شوند همه منزل می‌خواهند خوراك می‌خواهند اسباب بطور آسایش می‌خواهند این نیست مگر از برکت این ترکواران که درین اراضی مقدسه مدفون میباشند -

بوم بعد از عید نوروز تا کراف اعلی حضرت شاهنشاهی در طلب نواب اشرف والا شاهزاده معظم فرمانفرما از طهران رسید محتمل است همین ایام عازم ایران شوند در قصر شیرین چشمه فقط از دبر باد آشکارا بود کینی از انگلیسان از دولت علیه ایران اجاره کرده و متصل اسباب و آلات وارد بغداد شده حمل بحاجت قصر میشود - می‌گویند این چشمه فقط قط روس را خواهد شکست و آنچه شنیده میشود پانزده ساله دولت انگلیس اجاره نموده و در عوض مال الاجاره باندازه صرف فقط ایران بدولت خواهد داد و زیادی حمل اروپا خواهد شد - چشمه فقط در قصر شیرین است ولی چند دستگاه قرار خواهند داد که مرکز آن در عمره واقع خواهد بود که حمل و نقل اروپا و فرنک آسان باشد

مختصر حالات شریعه کوفه

(یعنی آبادی جدید شهر کوفه)

(از شماره ۲۶)

اینک قصه کوفه شهر بزرگ و عظیم شده هرگاه بیشتر ازین منظور نظر اولیای دولت علیه عثمانی شود هم‌ا قریب است که در عراق عرب بغداد تانی گردد - اگر اندکی تمذیبات بعضی محترمین دفع شود - من جمله شیخ مهدی نایبست که مدعی مالکیت این اراضی میباشد و بدون استحقاق يك ثلث حاصلات تمام باغات کوفه و سهله را میگیرد معذک دست از سر این ایرانیان بچاره و غیره که با هزاران زحمت شریعه کوفه را که تمام

اعلان

مراج جانی در کلکته

بیست و یکم مئی ماه سنه (۱۹۰۲) انگلیسی مطابق دوازدهم صفر المظفر سنه (۱۳۲۰) هجری مستقیماً در کلکته شروع بهراج جانی خواهد شد - خدا را شکر که ارباب رجوع از خریداریهاییکه سنه ماضیه که بذریعه این کپانی نموده‌اند شکایتی نداشته بلکه تا اندازه شاکر بوده‌اند - لذا امیدواریم که درین سال فرمایشات و رجوعات خود را بالمضاعف فرموده اجزای کپانی را رهین امتنان خویش فرماید محض اطلاع ارباب رجوع اعلان داده شد *

ام - ان - موکو کپانی

نمبر ۲۹۱ هوی بازار استریت کلکته

مکتوب از کربلا

مدیر روزنامه مقدس جبل‌المتین - شبته ۲۱ ماه ماضی دوساعت از شب گذشته در بغداد تکرکی بارید که نظیرش را تا بحال هیچکس خاطر ندارد - تکرک کوچکی بقدر تخم مرغ و نارنج و انار به اشکال مختلفه بود - سه دقیقه تام دوام داشت و اهل بغداد از حیات مأیوس شده بودند و استغاه بدرگاه خداوند میکردند - و در زیر طاقهای چوین خود را پنهان مینمودند - بسیاری از درهای شیشه و آئینه در بغداد شکست قیامتی بر پا بود که گویا قیامت قیام نموده - چنانچه دو دقیقه دیگر بدینوال مانده بود عمارات بغداد خراب میشد بخیر گذشت که طول نکشید و خداوند این بلا را رفع نمود -

شط فرات بعضی بلند شده که مردم شب خواب ندارند روزی نیست که یکمقام دو مقام از کنار شط فشکند و مابقی زمین را خرق نکنند خداوند رحم فرماید - چون آب زیاد شده زراعت جو و گندم میشود اگر از آب سالم بماند و خرق نشود - ولی همراه تمام خشک است - روغن و گوشت هر سال این موسم ارزان بود امسال بر عکس روز بروز گران میشود

آب گرفته بود خشک نموده و بعد کوفه مشقت این زمین‌های بازر را دایر کرده‌اند برنمیدارد -

این شهر عظیم علاوه بر آثار قدامت که در او هست فعلاً کمال استعداد را پیدا کرده که قابل توجه و جالب القطار اولیای دولت علیّه عثمانی گردد -

جناب عزت مآب محمود بیگ ربیبی زاده مدیر حایه شریعه کوفه بمصاعدت جناب راشد پاشا قائم مقام نجف اشرف کمال توجه را در آبادی کوفه دارد اول ورود خود که دو سال قبل باشد متصدی احداث جسر شریعه کوفه شد و ناندک اقدامی از ولایت بغداد امر صادر کردید و مبلغ کثافی از خزینة عامره دولت علیه صرف نمودند تا آنکه کمال استحکام جسر مذکور را در مقابل بازار جناب مستطاب شریعتمدار عمادالعلماء خلخالی زاده قائم داشتند در تاریخ ششم ماه رومی (۱۳۱۶) بعد قائم نمودن جسر جناب محمود بیگ ربیبی زاده و جناب پاشا قائم مقام نجف اشرف و جناب سید محمد سعید افندی خطیب و تمام امرا و وکلاء عمادالنجف اشرف و شریعه کوفه و تمام اعظم و تجار و اعیان از عرب و همجند و دوام وجود مسعود اعلی حضرت سلطان عثمانی خلافته ملکه و سلطانه رطب اللسان شده صدای آمین تمام حضار بلند کردید سپس در دولت سرای جناب خلخالی زاده عمادالعلماء تمام حاضرین مذکور تشریف برده بعد از صرف شربت و شیرینی و نهار ختم مجلس کردید

اسکر خداوند بخواهد بزودی کوفه مثل بغداد طرفین شط معمور نمیکردد - در سنه گذشته در ماه رومی سال (۱۳۱۲) جناب عبدالواحد افندی از بصره مأمور شد بجهت ریاست لیان و میربحری شریعه کوفه جناب خلخالی زاده عمادالعلماء بجهت ایقان یک اداره بسیار عالی در کنار شط تعمیر نمود و بعد از اتمام - جناب عبدالواحد افندی هم دولت را در بالای اداره نصب کرد سپس جناب مدیر کوفه محمود بیگ ربیبی زاده و اعیان شهر اعلی حضرت سلطان خلافته ملکه را دعا نمودند و صدای آمین از تمام حاضرین بلند کردید پس از صرف شربت هر کس بجای خویش متوجه کردید امسال هم جنابان مدیر کوفه و قائم مقام نجف اشرف تشکیل انجمن اعانه نموده تمام تجار و اعظم هم و همرا

احضار فرموده با کمال طوع و رغبت در مجلس مبلغ هنگفتی نمودند که مجموع کویا پنج هزار لیره عثمانی میشود توزیع بجهت تعمیر سرایه کوفه مابین خود و اهالی و این وجوهی اغلبی از تجار محترمین ایران جمع شد که محض اتحاد دولتین علیتین اسلام و خیرخواهی اولیاء و وکلاء عظام با کمال محبت داده و بمحمدافه و الله یوم شنبه هفتم شوال للکرم سنه (۱۳۱۹) جشن ابداع سرایه مذکور با حضور جنابان رفعت مآبان ربیبی زاده محمود بیگ و راشد پاشای قائم مقام نجف اشرف و تمام امرا و وکلاء نجف و شریعه کوفه از تجار و اعیان از همجند و عرب منعقد شده بدعای وجود مسعود اعلی حضرت سلطان خلافته ملکه رسماً رطب اللسان کردیدند و شربت و شیرینی هم صرف کردیده - چند بیت تری جناب علاءالدین افندی مدیر اوقاف کربلا بجهت سرایه کوفه انشاء نموده در بالای سر در سرایه نقش کردند

شمه از حالات تاریخی مسلمانان چین

(عطف به سابق)

از کتب تواریخ چنان ثابت میشود که مسلمانان در عهد خاقانهای مغول چین بمقامات بلند و عهده‌های ارجند نائل بوده‌اند چنانچه در سنه (۱۲۴۴) میلادی (عبدالرحمن) نامی از اسلامیان وزیر خزینة چین بوده و تمام مالیات و کمرکات باختیار او بود - در سنه (۱۲۵۹) در عهد (قبه خان) در بدو تخت نشینی سید اجل بخاری را وزیر خزینة کرد سنه (۱۲۶۷) سید بخاری رحلت کرد - بعد از آن یکی از اسلامیان که موسوم باحد بود بمقام سید بخاری وزیر خزینة مقرر کردید دیانت و امانت سید بخاری در تواریخ چین شهرتی بسرا دارد و احمد برعکس آن بخیانت نام بردار شد (مورخان) سکه یکی از مداحان و شعرای عهد (قبه خان) بود در قصاید خود او را قدح کرده بلکه شکایت نموده‌است که خاقان نباید بمقام و عهده چنینان هم و توکان را منتخب نماید

گذشته از اثرات اسلامیت که در شمال مغرب چین بسیار بود و نهایت ترقی را داشت در سمت جنوب هم از راه دریا اسلامیان بطرف مملکت چین رجوع نمودند - اسکر چه از روی عدد چندان اهمیت نداشته‌اند ولی از روی تاریخ حالات آنها عالی

ساختند این قوم بسیار متمول اند و سرداریرا که این فرقه بر خودها منتخب مینمایند کمال فرمانبرداریرا از آن دارند. اولین سردار مسلمانان در شهر (کن) نامش معلوم نیست و اسم او را باختلاف مینویسند بعضی میگویند (سارمکس) و بعضی (ناکایا) و (دانگکای) و (ساکایا) دانسته از تواریخ مسلمانان چین معلوم میشود که یکی از اصحاب حضرت ختمی سلوۃ الله و سلامه علیه مرتبت بوده است (باقی دارد)

سوانح عمری جناب حاجی زبیر العابدین آقا قلی او
(نمره ۷)

مثلاً فلانی ثروت خود را در راه وطن مقدس بذل نمود و ابواب نعمت و رحمت بر ملت خویش کفوده از آن جمله (دوکتور نوبل نیکو) ی فرانسوی در پاریس فوت شده ثروت زیادی داشته وصیت کرده که دارائی او را بخرج اموری که فتح آن عاید به نوع بشر گردد در پنج ماده صرف نمایند

اولاً طالبی که در علوم طبیعی اختراع جدید بنماید
ثانیاً شخصی که در دوسازی عمل تازه پیدا کند
ثالثاً طبییکه در علم طب مسئله جدیدی کشف نماید
و ایماً ادیبیکه در علوم ادبیه تالیف تازه نماید

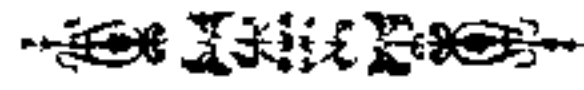
خامساً هرکس اسباب و اساس صلح عمومی را میانه سلاطین روی زمین فراهم آورد که رفع خوریزی بشود (دوکتور) مذکور در این وسایل هیچ طایفه و ملتی را استثنا نکرده و هرکس از هر ملت و دولت مخترع این احداثیات بشود و از این پنج عمل یکی را از قوه فضل آورد و ارث یک قسمت از آن ترکه میکرد مثلاً پس از آنکه در نیاتر یا بذریعه روزنامه این مطلب انتشار یافت و گوش زده بعضی غفلت زدگان گردید که در عالم تمدن اینگونه مردمانم یافت میشوند که در حق انشاء بشر کفشته از اینها وطن خود و ملت خویش اینگونه خدمات میکنند البته بهوش خواهند آمد

و یا مثلاً فلان زن انگلیسی لباس میدل در فلان مجلس خیریه انگلیس قدم گذاشت و پس از چندین برپا خدایت حاضرین کان کردند مستحق است که نگاه بسته دوخته تسلیم کرده معذرت خواسته روانه گردید پس از بازگردن دست معلوم شد دو هزار لیره انگلیسی است که باید از بانک دولتی دریافت کنند پس از اینحضار

از دل چسبی نیست بین اهالی عرب و چین از قبل بعثت حضرت خاتم المرسلین تملقات تجارتی و روابط داد و ستد جاری بود از طریق شام و بحیره (لیوانت) در بنادره مشرق چین حاصلات عربستان فرستاده میشد در سنه شصده عیسوی تجارت عرب و چین از راه سیلان ترقی نمود میسکوینده (سراف) که یکی از بنادر خلیج بود بندرگاه تجارتی چینیان قرار گرفته بود در کتب تواریخ از سنه (۶۱۸) الی سنه (۹۰۷) میلادی که شروع بساطتت خاندان (تهانک) در چین است حالات هرمان در تجارت چین دیده میشود واقعات آن زمان را (مورخان) که ادیب و مودع بود نگاشته که از مملکت (آسام - کیبوج - مدینه و دیگر ممالک عجم و عرب بکثرت مردم داخل چین شدند از مشوار و اطوار و اعمال و کردار مذهبی آنها که (مورخان) مینویسد صاف ظاهر میشود که آنها مسلمانان بوده اند که در ساطتت چین شامل شده در امورات ملکی و تجارتی شرکت کرده اند (مورخان) مینویسند این اقوام اجانب که در چین داخل شده اند پرستش خدای آسمان را مینمایند و در عبادتگاههای آنها از اقسام بت هیچ نیست پیرشان در مدینه که قریب بممالک هندوستان است میباشد مذهب آنها مخالف با مذهب (بوده) که اولین مذهب طلست میباشد. این قوم از شراب و گوشت خنزیر برهیز میکنند هر حیوانی را که خودها نمیکشند گوشت او را ناپاک تصور میکنند ملت مذکوره موسوم اند به (هوی هوی) هوی هوی بمعنی اطاعت و رجوع است (یعنی رجوع بطرف خدا و اطاعت باحکام الهی)

مبندی دارند که موسوم است بیاد پاک (دورینست که مقصود (مورخان) مسجد ابو کبشه است که من بعد فخرش خواهد آمد) این مسجد در ابتدای عهد پادشاهان (تهانک) تعمیر شده در یکجانب آن مسجد مناره مدوری بلندی یکصد و شصت (۱۶۰) فیت (سه فیت بقرعست) ساخته بودند که موسوم به (کانک تا) (یعنی ساده و ینتفش و تکار) قوم هوی هوی (مسلمانان) بحیثه عبادت در عهد خود هر روز میروند شه نشاء چین و قتی که قیام آنها را در مملکت آسیای منظور نمود بیشتر در شهر (کن) بود و باقی اختیار نمودند - و عمارات مختلفه الصور بسیار عالی بطرز و رواج ملک خود

اعلان



در شهر مسکو (روسیه)

بخریداران محترم معرفی میشود (کنیاک) و (لیکور) روس از کارخانه شرکت

(ن. ل. شوستوف) با پسرانش

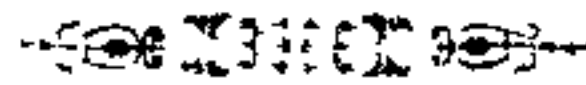
در اسپوزیسون (نمایشگاه) پاریس اول درجه امتیاز باین شرکت اعطا

شده است

کتابچه امتعه که تفصیل نرخ و غیره در آن ثبت شده بخریداران مجاً داده میشود

No 6217

NOTICE.



RUSSIA MOSCOW.

WE RECOMMEND OUR

RUSSIAN

COGNACS and LIQUORS.

N. L. SHOUSTOFF & SONS.

Highest distinctions from universal exhibitions.

write for Catalogue.

اعلان دیگر

§ جهة نوسعه دایره تجارت میوه جان و امتعه بغالی در ممالک روسیه مایل بسروکار داشتن با خانهای تجارتی معتبره که تجارت کلی بامتعه مذکوره داشته باشند میباشند . میتوانیم هم نوع اعتبار خود را معلوم و معرفی شویم . آناییکه طالب عمل داشتن با ما باشند تکالیف خود را متوقع مکتوباً بتوسط کنطور شرکت اعلانات (ل . ا . متسل) اطلاع بدهند که کنطور مذکور به (مسیوک . ک) برساند .

ادرس برای مکتوب بقرار ذیل است
در پترسبورغ (روسیه) در کوچه (بالغایا)
(مارسکایا) خانه نمبر ۱۱

No. 51525

NOTICE.

All advertisements from Europe or with origin from Europe will exclusively be accepted by the

Advertising Agency

L. & E. METZL & CO.
MOSCOW AND ST. PETERSBURG.

By its branch-establishments and foreign agents. All inquiries from Europe concerning advertising in "Hablul Matin" are to be "directed to the abovementioned Advertising Agency"

اعلان

§ برای کسانیکه خواستگار دواج امتعه تجارتی خود در ممالک خارجه مثل - ایران - ترکی - مصر - عربستان روس - افغانستان - ترکستان - وقالب ممالک اروپا و عامه بلاد آسیا میباشند روزنامه جبل المتین (که فقط یک روزنامه فارسی زبان در هندوستان است و محل توجه تمام اسلامیان و غیره واقع گردیده) بهترین وسیله است صفاتی طبع - حسن حرف - و همدی کافذ آنرا اگر منحصر در فرد گویم باضراق سخن نگفته ایم - معتقدین این روزنامه علی العموم امرا و همایند و تجار محترم و ارباب سیف و قلم اند - و بدون استثناء در قالب بلاد مشهوره روی زمین کم یا بیش اشاعت میشود - هر کس هر گونه اعلان تجارتی و غیره تجارتی داشته باشد مطابق نرخ نامه - اداره در تمیلش حاضر است - اعلان را بهر زبان خواستگار بایند بهنای زبان در اخبار داده خواهد شد و اگر ترجمه

شرکت کارخانجات

بلور سازی (آفتون که)

§ ظروف بلور و شیشه - اشیاء مزینهار خوری - لامپه آلات - اقسام شیشه معموله در دراختها - شیرینی خوری - شیشه ها جهت عطریات - تنکها جهت مشروبات - شیشه ها جهت تجزیه و عمل شیمی - ملزومات چراغها بانواع و اقسام - در کارخانه فوق الذکر حاضر است و فرمایش هم نوع اسباب بلور و شیشه هر قسم و ترکیب که خواسته باشند قبول میشود مرکز کل کارخانه و انبار در شهر (مسکو) میباشد

در کوچه (ماسنیکایا) در خانه (ناسله بیکوف که)

No. 65268.

اعلان

(ملزومات جهت ورزش بدنی در خانه)
(از اختراعات دکتر ل - فیلات)
(داشتن این اسباب برای هر کس لازم میباشد)

§ قیمت یکدستگاه اسباب ورزش بقرار ذیل است
جهت زنان و اطفال ۱۰ منات
برای مردان ۱۱ منات
برای اشخاص قوی ۱۲ منات
برای پهلوانان ۱۳ منات ۵۰ قپک
(اختراع مخصوصه)

یکدستگاه تمام ملزومات ورزش جهت اهل خانه ۱۴ منات
قیمت اسباب مذکوره با مخارج فرستادن روی هم است دستکش موسوم به " Jacques Royal " که جهت دستهای مریق میکند نیز هست
محل فروش در مسکو (روسیه) در مغازین (ژاک) در کوچه (پلروکا)

No. 46005.

§ (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام امور فی جزوی ده روز مقرر است
 § (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف (ملیجر مطبع)
 • نرخ نامه •

آن را هم بفارسی بخواهند (پس از تصفیه اجرت نرجه که علاوه بر اجرت طبع اعلان است) اجزای اداره به نرجه آن اقدام خواهند نمود - یقین است هر اعلانی که در این اخبار داده شود تا یک درجه مقرون بکلیان خواهد بود (ملیجر جبلالتین)

اجرت ماهانه طبع اعلان

صفحه اول منهای لوحه	۴۰	روپیه
دوم	۲۲	•
•	۲۵	•
•	۲۲	•
سائر صفحات	۲۰	•
یک ستون	۱۶	•
•	۱۰	•
•	۷	•

اعلانهای کوچک چهار سطری یک مرتبه بکروپیه

شرح اجرت طبع کتب و غیره

§ اعضای مطبع بعریط ذیل برای طبع هر گونه کتب عربی - فارسی - اردو - و غیره حاضراند
 § (اول) - اجرتیکه ذیلا در نرخی نامه معین شده فقط برای نوشتن و یا حروف چیدن و طبع کردن کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلد بندی و غیره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع مستعداند که هر قسم دستور العمل داده شود تمویل نمایند

§ (دوم) مطبع فمه دار هفت مطبوعات خود مطابق نسخه اصل است

§ (سوم) - میزان یک جزو را چهار صفحه یا دو ورق جبلالتین قرار داده ایم - اعم بر اینکه همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده صفحه قرار دهند یک جزو محسوب خواهد شد - اگر اندکی (یعنی تا پنج - رنج کره) قطع کاغذ کم و بیش باشد همین اجرت محسوب خواهد بود

§ (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از ملاحظه لوحه اخبار جبلالتین ظاهر میتواند شد

§ (پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع اعم از نسخ - نستعلیق - شکسته مطابق خطوط متوسطه و مسائل منطقیه پیش و سائر بلاهت خواهد بود

فی جزو حروف ریزه حروف متوسط حروف درشت خطی بی سنی
 هزار نسخه ده روپیه نه روپیه هشت روپیه هفت روپیه
 پانصد نسخه هشت روپیه هفت روپیه شش روپیه پنج روپیه

دیباچه

(بنام ایزد بخشنده مهربان)
 (از شماره ۲۷)

§ بدیهی است که عظمت و شوکت هر ملت و اقتدار و اعتبار هر دولت منوط بکثرت مکاتب و وسعت دایره انتشار معارف اوست - آفتاب اهدت و اجلال از فوق مکاتب طالع میگردد - رایت هدایت و مفاخرت دارین در بالای کتب مکاتب منصوب است - آیات فتح و نصرت بر در و دیوار مکاتب مکتوب است - ینابیع استقلال و معرفت و ثروت از لسان معلمین آن مواقع محترمه جاری است - مفاتیح سعادت و آبادی مملکت و حراست حقوق دولت و ملت در دست زیت یافتگان دار القنون است !

مگر امروز انصاف کسی میتواند منکر بشود که ساعتی شانزده هفده فرسنگ سرعت سیر و حمل مال التجاره و در یک لحه مخیره مسافت بعد المشرقین و تحدید افلاک آسمانی و انکشاف اینهمه حقایق حیرت انگیز عالم تکوین و اتحاد نامه و مساوات عامه ملل متمدنه که سابق از همدیگر متفر بودند همه از برکت نتایج مدارس و مکاتب و تسهیل صعوبات عالم بعلم و تعلم است ؟

مگر نه بقوه علم بود که دولت کوچکی مانند [ژاپن] که سی و شش سال پیش نیست قدم در صرته تمدن نهاده و با چهل میلیون نفوس در سنه (۱۳۱۲) دولت معظمی را مانند دولت چین با چهار صد و پنجاه میلیون نفوس در اندک زمانی بکلی مغلوب و مقهور لشکر ظفر اثر خود ساخته از قنوجان بی در پی بطار و قلاع جیلیان جهانیانرا مهیوت و منصیر گردانید و آنچه مستملکت چین را با چند

این نرخی نامه برای شناسا یا یکسال کامل میباشد

صد سکرور تومان وجه نقد بعنوان ضمانت جنگ مأخوذ داشت ؟

عجبا با اینکه میبینیم این طوائف متمدنه که بانواع مکارم آراسته و باقسام فضایل پیراسته و از حسن اتحاد و اتفاق توش که اجزای يك خانواده و اعضای يك شخص واحد چنانکه چندین کرور نفوس آزاد با خاطر شاد در يك بلد با همدیگر در حال محبت و معاونت زیست میکنند و روز بروز در صدد تزئید اسباب راحت و ثروت و وسعت مملکت خویش میباشند بلادشان همه معمور و ارزاقشان بغایت موفور - نه در ملک ایشان ضعیفی در جنگ ظالم قوی گرفتار و نه بیماری بی پرستار و نه قیسی بی غمخوار است زمین دقایق خود را بر ایشان نثار و آسمان برکات خویش را بر آنها اینثار مینهد - و میدانیم که اینهمه سعادت از برکات علم و صنعت و تعمیم مکاتب و مدارس است و با این عطش جانسوز که ما را قریب بهلاکت رسانیده قدمی بسوی آن سر چشمه زندگانی پیش نمیکذاریم !

افسوس که ما اهالی مشرق از تصور این نوع تمدن و معاونت بشری یکجا عاجز و از این عوالم بکلی بیگانه هستیم . همه بحکم يك سابقه نا معلوم بيك رشته جهالت بسته و علائق خود را از محسوسات لایذ منه امروری خودکسته و بر موهومات و افسانهها پیوسته ایم بنوعی که هیچ دعوت فائده را مستعد اجابت نباشیم ! - شایع مساهی و زحمات را معتقد نیستیم ! فقر و تکدی فوق طاقت استماع را که بلای ملی ماست سهل میشماریم و دل احتیاج را که بر ارباب غیرت آتش سوزانست بامید توهمات آسان می بنداریم و آنچه استعداد طبیعی که مخصوص انبای این خاک پاکست در شوره زار جهل و عصیت نروئیده پوسیده و معدوم میشود و از خودمان سؤال نمیکسیم که سبب آبادی مملکت و سعادت و معرفت و ثروت و عزت و انکشاف و فتوحات ملک همجوار چیست ؟ چرا ما بیایه آنها نمیرسیم ؟ چرا از کاغذ گرفته تا کفن اموات محتاج بصنعت اجنبیان هستیم ؟ مگر اختلاف جواهر نفوس این مزیت را بر آنها بخشیده و العیاذ بالله ما مستعد نیستیم و یا خداوند رؤف از ما مضایقه

میفرماید ؟ البته بهمة این سؤالات شرح يك و عقل سلیم جواب داده میسکوبید که در مبدأ بخل نیست (هرچه هست از قامت ناساز بی اندام ماست) ! و سبب جالب ایندولت و سعادت که مسلم آنهاست نیست الا علم و معرفت بمواد عزت و ثروت و منابع املیت و عدالت و تسهیل و تصفیه طرق آن و موجب تولید و امتداد این نکبت و ذات که کریبانگیر ماست نبوده الا جهل و غفلت ! *

قومی بجد و جهد گرفتند کام خویش

قومی دگر حواله بتقدیر میسکند
آری لفظ (یس للسان الی ماسی) در زبان ماست
و معنیش ما دیگرانست !

مگر او امر شرع شریف ما را بشناختن مبدأ و معاد و تفکر در انفس و آفاق و حسن مباشرت و نظافت صورت و تصفیه سیرت هدایت فرموده و اولین وسیله نجات و فوق درجات سعادت علم و معرفت را قرار نداده است ؟ مگر فرموده اند - دانش را بجوئید از هر جا و هر مکان اگر چه در چین باشد - و حکمت خاصه مؤمن است و هر جا باشد کشده اوست بر اوست که کم شده خود را دریابد و در دست غیر مستحق نکندارد ؟ مگر در جهل موجودات کیمیا کرامی تر از حیات هست و حیات همان ادراک و دانش نیست ؟ (آن مرده با جان نادان بیکت) ! - پس فاقد ادراک فاقد حیانت و حیات مرثیعی بقدر ادراک اوست - قدرت و توانائی فقط با دانش است و آنکس بر مقدرات تواناست که داناست (توانا بود هر که دانا بود) و آنکه نمیداند نمیتواند ! هر آنچه قدم در هرصه وجود نهاده طالب علم و حیانت عناصر و هیولی و قرانی که در فضای لا بتاهی صعود و نزول میکنند راه کعبه حیات را میجویند و بی و سایل تعریف و مشهود خود میپویند - بطور مسابقه و ازدحام همدیگر را میفشارند تا در این بهد وسیع تخم دانش و ادراک بکارند و وجوب حفظ بقای صور نوعی را ادراک نمایند

ذره ذره کاندراين ارض و سماست

جلس خود را همچو کاه و کهریاست

هر سگرا با عالم حال است سکوش
 جمله ذرات بیند هر خروش
 پس آیا با این همه ثروت طبیعی و تمایلات ربانی
 و تنبیهات داخلی و خارجی و عقلیه و حسیه رواست
 سکه این خواب غفلت را امتداد بدهیم و معلوم را
 بموهوم مبادله نمایم ؟ -

امیدوارم که هوطنان محترم این عرایض صادقانه
 این بنده بی بضاعت را که وجود بی نمودش از آب
 و خاک پاك ایران سرشته حل بر امراض شخصیه قهرمانند
 که حب الوطن من الايمان عنان خود دار را از کف
 خامه ربود و بمرض آنچه دیده و فهمیده است مجبور
 و مامور فرمود !

در پس آینه طوطی سقّم داشته اند

آنچه استاه ازل گفت بگو میکنیم

(باقی دارد)

داستان شکفت - و سرگذشت ینبیا

(از شماره ۲۷)

§ مادر جان ، فی الحقیقه این حال خیلی اسف انگیز و
 جان کداز است

فی الواقع واقعه دلسوز است

آیا حکیم هنوز نیامده است ؟

نه خبر . (درین اثنا سه نفر سواره پدیدار
 شد)

این است حکیم رضا خان آمد

فی الواقع آن زنان سه نفر سواره از طرف سراب
 وارد قریه شده بطرف بائین ده میرفتند . رضاخان
 حکیم در پیش درخانه سمدخان رئیس سواران زاسب
 پیاده شده از میان ازدحام کثیر با کمال آسودگی داخل خانه
 شده . آنوقت (طاهر بیک) نایب هم در باغچه خانه این
 طرف آنطرف گردش نموده چوبوق میکشید و خود
 بخود سخنان متفرق میزد ولی بمحض آنکه ورود
 حکیم را مشاهده نمود باعجب و تلاش بسیار به نزد
 مغاراله آمد ، گفت - جناب خان خیلی دیر آمدید
 و ما را هم بسیار منتظر گذاشتید حالا دیگر باید قدری
 تمجیل کرد و بارضاخان حکیم داخل اطاق سمد
 خان شدند .

رضاخان از حادّه که رو داده بود خبر نداشت

و نمیدانست که چرا باین مجله او را به (برکوش) آورده
 اند در ورود اطاق کان کرده بود که خود رئیس
 المجلهش است زیرا پیر سالخورده از آن بصیبت غیر
 منتظر بحالتی افتاد بود سکه رنگ رخسارش پرده
 و چشمهایش کبود رفته بود و از جای نمود حرکت
 کرد نمیتوانست ولی مشاراله همینکه حکیم را دید ،
 انکتت اشاره بطرف بالای اطاق نمود . رضاخان با
 کمال حیرت و تکیه نظر بر آن طرف افکند بی تأمل
 فریاد برداشت

اینها کیستند ؟ در اینجا دو جسد دختر کوچک می
 بینم و فی الفور به وظیفه طبابت خود شروع کرد .
 طاهر بیک گفت - جناب خان خواهش دارم
 که قدری تمجیل نمایند . حکیم بلا تکلم با دست بطاهر
 بیک اشاره نمود که بنشین و دو دست بخی کرده یکی
 از آن دخترها را در کف خود گرفته ملاحظه نمود -

بدیهی که این دختران در خدمت قارئین غیر معروف
 نیستند - یکی نادره و دیگری جمیله بودند ، رضا خان
 به بعضی جاهای بدن او نگاه کرده و کوشش بحرکت
 قلبش داد در این هنگام سکوت عظمی اطاق رئیس
 را فرا گرفته بود و همه منتظر بیک کلمه حرفه طیب
 بودند که متعلق بمسئله حیات و ممات طفل بود و نیمی
 حرکات طیب دیده دوخته و آهسته نفس میکشیدند
 تا رضا خان سه خود را بلند نموده گفت - هنوز
 حیات باقی است همه اهل مجلس بکوزن و اختیار گفتند
 (خدایا هراشکر) لیکن (ناخه خانم) زوجه (سمدخان)
 در طرف دیگر نزد جسد بحرکت جمیله نشسته برخسار
 زرد آن بچاره نظر کرده و متعل کرده بمنمود ، این
 هنگام (رضا خان) طیب قدری آب گرم حواسته باهای
 نادره را در آب گرم گذارده و نزد جمیله آمده بمضی
 اعضای او را که از آنها تحریک خون زود فهمیده
 میشود بدقت ملاحظه نموده برخاسته حرفی نزد . رئیس
 ازین حالت طیب خیلی مضطرب شده گفت

آمان جناب خان - ما را مترده و نگران گذاشته
 چرا حرفی نمی زنید ؟ مگر طفل معصوم مرده است ؟
 بی - خیلی تأسف میخورم که ؛ ساعت میباشد که
 طفلك مرده است

سمدخان - لاله الاقّة! انا لله و انا اليه راجعون!

ظاهر - خدایا این چه وضعیت

ناطقه - پدر قاتل ۱۱ ملعون ...

اکنون کفارش خانهٔ صمد خان را گذاشته نظر بسوی آن محل که این مصائب در آنجا بر اطفال وارد آمده بنمایم

موسی که دختران خود را سوار اسب کرده رو بسرف سراب روان شد در بین راه بدختران اظهار هیچگونه مهربانی ننموده سهل است یک کلهٔ حرف با آنها نزد و عنان اسب را گرفته با سرعت تمام از جلو میرفت چو بوقی چاق کشیده و دودش را هوا میداد [در دامن کوه صائین دره هست اهل آذربایجان آنجا را (بوزلی دره) میگویند - دره مذکور در جنوب شرقی صائین است] موسی آنجا که رسید نخست کاریکه نمود کریبان نادره را گرفته از روی اسب باین کشید چون طفلان مظلوم به یکدیگر چسبیده بودند جبهه هم خواهر خودش توان ز زمین افتاده و مردو بلا اختیار (آه بدرجان) گفتند موسی شقی گفت - ای بدبختان بگریید - و ای ناامیدان کم شوید - مگر شما نبودید در دهات و جوار آنها تکدی نموده ناموس مرا بر باد دادید؟ آیا شما نیستید که خانهٔ خود را ترک و در خانه‌های مردم کشته و مرا گنایم کردید؟ این سخنان را سروده و با قهقاری که در دست داشت بنا نمود آن کودک بچاره را به زدن قدری زد که وجود نحیف و ضعیف آن دو مظلوم را نیلوفری و کیود ساخت علی‌الخصوص که ظلم و شقاوت خود را در حق نادره بیشتر اجرا مینمود - دختر کوچک به بازوهای آهنین پدر خود چسبیده پدر پدر میگفت و بکار دیگر دسترس نبود - آن پدر بی رحم موسی بیروت تازیانه بسر نادره زده و جبهه را نیز با خشم تکان داده چند قدم بعقب می‌افکند چون نادره مسکین تاب صد مات تازیانهٔ آن شقی را نمیتوانست آورد مانند مرغ نیم بسمل در روی خاک می‌طیید و عوض اینکه ناله و فریاد نماید بانگ به همشیرهٔ کوچک خود میزد که - "آمان جبهه خواهر مهربان جان من بخران تو اینجا توقف مکن بگریز بگریز و برو این پدر متمکار پس از کشتن من تو هم خواهی گشت آخ ... یاری یاری تو خود شاهدهی ما را ... برکنانه ... میکشند - در طرف

دیگر دختر کوچک همچنان بی طاقت و بی حالت افتاده بود که نمیتوانست از جای خود حرکت نماید ولی چون میخواست بخواهر خودش معاونت و یاری کند بقدر قوهٔ خود صدا میکرد و فریاد می‌آورد لیکن این یاری و معاونت آن بنوا چند ثانیه امتداد نکرده زیرا موسی ظالم لصدی به پهلوئی او زده به ته دره انداخت

آواز جبهه دیگر منقطع گردید - موسی یقین کرد که دخترک در ته دره جان میدهد و میخواست که جنایت خود را پنهان داشته و این واقعه را بکلی پوشیده بدارد لهذا به تلف کردن نادره مصمم گردیده کارد خود را از کمر کشیده قصد آن بچاره نمود ولی خیال کرد که در لباسی یا در زمین اثر لکهٔ خون باقی بماند و گرفتار بجهت حکومت بغداد و این ملاحظه از قتل او صرف نظر نمود - اینک این ظلم را اجرا میکرد و مرغ روح آن مظلومه را از قفس تن آزاد میساخت در عوض آن دختر بچاره را به شکنجه گرفتار نمود که از حرکت صد بار سخت تر بود - دست پای او را با ریسمان سخت بسته به همان درهٔ که جبهه را انداخته بود افکند لیکن در آن حال نادره از تلخبهای ضرب تازیانه از خود رفته بحال افتاده بود (باقی دارد)

« مقاله یکی از دانشمندان »

(نیروی دولت ایران)

(از شماره ۷)

۱ مسلم است ملوک و درباریان ملوک از اجزای هیئت و سلسلهٔ که تکمیل جمعیت بشریه را مینمایند بوده و از سه صنف خارج نتوانند بود

(۱) منعلی محلیهٔ فضل و دانش و هنر و علم و صفوت و خلوص نیت و اندیشهٔ پاک و فکار تائب و مجرب

(۲) کسانیکه فضایل علمیه آنان در سرحد

کمال است ولی سیآت افکار و زشتی و مشوار آنان را مانع میگرد که از فضایل عامیهٔ خود استفاده نمایند

(۳) اشخاصیکه هم از علویت افکار و هم

از کالات علمیه محرومند

(اینک دربارهٔ گروه نخستین سخن سرانجام)

حکمرانی که مزایای طلب و فضایل علمیه ایشان

در سرحد کمال است البته در خصوص استحصالی و سائط سماعت وطن حصر مساعی میفرماید چنانچه در استقلال آنگونه سلاطین با اخطارهای مسوومه میادرتی رود عجباً بتصرفات ملوکانه و مالکانه ایشان مداخله شده است ؟ و این یاه آوری مایه کسر و منافی مقام عالی سلطنت است ؟ خیر و الله بلکه هر فیشعور صاحب وقوفی منافی مقام سلطنت نبودن اخطارات را قلمب میباید بلکه هر دولت جبهه آنکه بتواند ارادات مشروعه و مطالب سیاسی خود را بر وجه صحیح و الیق بموقع اجرا در آورد ناچارست از مشورت عمومی

پس با ادله عقلیه و حسیه و براهین غیر محمور جمهور دول بدین نکته دقیق پی برده اند که مجلس شورا منافی مقام ملیح سلطنت نبوده و نیست و بلکه جبهه سلامت دولت و اجرای عدالت و آگاهی از مهام ملک و ملت مجلس شورای ماسما از اخص لوازم سلطنت بودنش را بطور محقق دانستند

و جوب عاده مشورت چنانچه با آیات قران و احادیث معتبره قلاً ثابت است فرضیت او با بدیهت عقل و حکمت نیز ثابت است زیرا انسان بالطبع دائم توجه و مبلش بسوی شرم و هیجوت از بوائب خلل و وهم مصون نیست پس جبهه استخلاص از تقایص ضروریه در مقابل میلان و خواهش مزور یک صفت قدسیه و ملکات ملکوتیه در کارست و چون ناقلیت بدان خوارق متمتع است لذا چکره چارز تواند بود که زمام حیات هیئت عمومی را مبنی بریک حسن ظنی بدست مستبدانه چند مأمور توك وواگذار نمایند

حضرت فخرکائنات عقل کل محض دستور العمل امت کاهی در امورات اصول مشورت را اختیار میفرمودند که سرمشق آبدکان و مایه فلاح و رستکاری آنان کرده

عجباً آنان که متصف بصفات بشریت و لوازم آن میباشند چگونه جسارت ورزیده از اصول عاده و محدوحه مشورت خود را مستغنی شمرده با افراد و استبداد برآی به اجرای احکام میبهرت میورزند - آیا در آن حال باجه دلیل وجدان خود را اطمینان میدهدند بل و اصول استنادت و سلامت

حکما فرمود اند شخصی هر قدر تیز هوش و بادانش و دارای افکار عالی و فطانت فوق العاده بوده باشد هیچگاه در هیچ کاری نباید خود را مستغنی از مشورت بداند خاصه در امور جمهور که هر کراحدی مستغنی از مشورت نتواند بود

مختصر - لزوم وجوب اصول مشورت از مواد بدیهیه است و هر آنکو برخلاف آن سخن راند محض آنستکه میخواهد بدل خواه و کیف مایشاء بمحصول آمال و اغراض مخصوصه خود راهی در دست داشته باشد و این که ادارات حکینی و استبدادی زوال واقراض را دعوت خواهد نمود از بدیهیات اولیه امت

افسوس کسانیکه در سر ادارات کینی میباشند یا ر عدم فهم و عاقبت اندیشی و یا جبهه آنکه خیانت بدین و دولت و ملت و وطن را دثار خود نموده و به آرزوی آنکه دائم به نعمتهائیکه با عدم لیاقت و استحقاق در سایه اصول استبداد مالک شده اند از دست ندهند بزوال دولت و دین و وطن و ملت رضاداده و زوال اصول استبداد را نمی خواهند

ای برکان قوم قدیم و نجیب شش هزار ساله ایران اندکی دقت فرموده و آرزوی بصیرت تاریخ مراجعت نمایند و به یقین چه ملت معظم و چه قوم محترمی بوده اید عالم از شما سرمشق تمدن میگرفته اند چندین هزار سال شمشعه سنوت و مدیت شما پرتو افروز رضیا بخش عالم بوده آیا شایسته و رواست با آنچه علو جنابی و بزرگواری اینک از بدایع مدنیة حال حاضر بکلی محروم و در تحت تأثیرات اینگونه دواهی شدید مضطرب و زبون مانده سبب و علت مستقله این خاری و بی اعتباری خود را نیندیشید

بدانید سبب مستقل همه این زبونهای شما اماراه کیفیه است که حادر دهر جبهه زبونی و هو اقوام و ملل از آن فجعیرا اثر تردهایه نه زائیده است معلوم است همینکه تفریع و تنفیذ یعنی حکم و اجرای حکم منحصر بفرود واحد آمد و در دست یک واسطه قرار گرفت و حاکم برای اهالی ملت مراجعت نمود و ملت از نظارت به اعمال مأمورین ممنوع آمد البته عاقبت کار همین است و حقیق که بدین

گونه زیست و بدین حال و منوال حرکت کنند لابد و ناچار منقرض خواهند گردید

در صورتیکه عموم ابناء وطن در مزایای طبیعی و مواد و منافع و ضرر و خساریکه مائد بوطن است مشترك و در موادیهم که سیاسی صرف است سعی و کوشش و همراهیشان از حقوق مثبت و امورات بدیهه است آیا جائز و رواست که مجرد بسبب ایجابات قاعده مضرة اصول استبداد آن بچارکان را مساعده ندهند که بمصالح عمومی حق از دهان نظاره نمایند و در آن باب سخنی گفته و بایبان رای کنند؟ معلوم است طاقت این روش بکجا منتهی خواهد شد

این دردها و سستی و ضعفها که در اعصاب دوات و دین و ملک و مات محسوس است همگی ارسبیات اداره مستبدانه است ننگ مقوط حق کشتی رانی در دریای خزر و از دست رفتن ترکستان و انزاع هرات از ایران و از دست دادن فیروزه و بساد رفتن کلبد قابوس و انزاع از هندیان در بندر بوشهر و همزه و مصالطه های زشت و خود سر شدن امیر مسقط و بحرین و بباد رفتن بلوچستان و محوشدن ثروت ملک بسبب بانگهای اجلی و تنزل سکه دولت و قحط طلا در ایران مگر نه از آثار نحس و سیات اداره مستبدانه است - ننگ شکست مرو با وزیر جنکی میرزا محمد قوام الدوله و ترک ترکستان و تعیین حدود بی بصیرتانه بلکه بعنوانه که اینک نمیتوانند اهالی مملکت از آب انهار خودشان اراضی و مزارع خود را مشروب نمایند و سالهاست و قازاق همسایه در داخله مملکتیان بر ما حکم میکنند مگر از آثار نحس اصول استبداد نبوده و نیست؟ بی اصول زشت خانه برانداز استبداد است که اجلیان بجهت پنج ذرع نم راه سکه از رشت تا قزوین ساخته فعال مایرید گردیدماند - اگر ملت از حق و قوف خود آگاه و در امور ملکی طرف معورت میبود آیا این همه خاک وطن که از برای هر یک کف از آن سدما آباء آنان خون خود را هدر نموده اند بهین مختصری از دست میدادند؟ نه والله - نه خاک ایران از خاک ترسوال بی بهره ترانه اهالی ایران از بوثران بینیرت و حمیت ترند و نه اعداء ایرانیان از انگلیز قوی تر بوده و هستند البته این قلت و خواری را

از برای ما ملت اصول استبداد دعوت نموده و مینماید (باقی دارد)

«مقوله یکی از فضای نامدار»

(قابل توجه ارباب حل و عقد دولت هیة ایران)
(شماره اول)

§ الدال علی الخیر کفاهه - والسلام علی من اتبع الهدی
اذا فسد العالم فسد العالم - اذا فسد الحکام فلب علیهم
عدوهم - اذا جار السلطان زال ملکه - اذا ظلم حاکم
قل عاقبت امره - اذا فسد الرصیة قل نعمتهم - اذا
خان الوزير خاب ظنه - اذا خان الامیر ذهب عمره -
اذا حاکم اقبل الرشوة قل هیته و خسرت عاقبتة -
التجاری فی الصدق - الدرام و البقاء فی المدالة - المر
عند السلطان طاعته السلطان - الخباين بالمصیان طاعته
الشیطان - الحسن التذیر خیر من ضرب السیف بالتمجیل -
الدفع المد و خیر من صلح بالتمجیل - الصلح خیر من
غلب القهر - العز خیر من القل - العار خیر من دخول
النار - السلطان حیات الملك والملة - لولا سلطان الملك خراب
والملة میت - والوزیرا عز الملك . الملك . لولا الوزاء المدرین
لا سلمه فی الملك - ولا عز الملك - العلماء المدول حس
الملك و هیة الاسلام و نور الملة - لولا العلماء الحکماء
المدول لاهیة الاسلام ولا نور فی الملة

به تحقیق بیوست عزلت و قوت دولت و ملت و حفظ ناموس و مملکت و راحت رعیت از حسن تدبیر وررا و از سدی نیت و نور تدبیر حکمت ایشان میباشد - و نصرت دین و دولت هم از وزراء و ترویج ملت و بلندی شوکت دولت نیز از ایشان میباشد هر پادشاه که علمش در عالم علم شد از خلوص خدمت وزرا بوده - و هر وزیر که کمال عقل و نور یقین و حکمت و تدبیر یافت طاقت امرش بر صلاح و فلاح شده - و اسمش در دنیا با عزت باقی مانده و شنای اقویا و دمای ضمنا از وی منقطع نشده است

مسیحین بر این میباشد سکه درجه وزارت عنداقه ارفع تر و اشرف تر از سلطنت است چنانچه آصف این بر خیا وزیر سلیمان بوده و تاکنون اسم و شرف و بلندی مقامش عالم را احاطه کرده و جمیع سلاطین جیره که مطیع سلیمان شدند تمام از حسن

تدبیر آصف بوده است. و در تاریخ یهودیان چنان تقریر شده که عزیز یوسف را بوزارت اختیار نمود و چون رای صواب از وی مشاهده کرد امر سلطنت را بر آنجناب تفویض نمود و مصر را یوسف از آن بلایای عظیمه نجات داد رعیت را بحسن تدبیر حفظ نمود و همه را مطیع سلطان کرده مملوک ملک نمود. و جمیع اهالی را بر خود محتاج کرد اینها همه از حسن تدبیر و خدمت و صداقت و امانت یوسف بود. در تلموت ذکر شده است که جمیع ظلم و زجر و جور که به بی اسرائیل از ظمیان فرعون وارد شد همه از سوء تدبیر از وخیت مغرور همان بود که رعیت را بقنا رسانید و ملک را بیساده غرور داد و شوکت دولت را بنار شرارت سوزاند تا اینکه عاقبت الامر خود و فرعون را هم بهلاکت رساند و خسار دنیا و آخرت و مستوجب لعن امم گردیدند در تاریخ بر ملک دیده شده اسکندر که بر طالی غلبه نمود و اسمش ابدالدمر باقی ماند تا آنکه بعضی ملل او را پیغمبر خواندند از تدبیر و حکمت ارسطو بود. محققین مسیحین گویند که خلاف معاویه با علی که قصد هتک حرمت پیغمبر خود و وصی او نمود همه از رای و اشارت عمر ابن ماس بود که او را اغوی و دلالت بطریق خلاف دین و ملت خویش نمود تا آنکه عاقبت الامر آل مروان را آتشی که خود روشن کرده بود بنار فنا رسانید. اهل کمال گویند نادر بلاهای بیده و سیمه را که تصرف کرد از نظر حکمت و فکر و تدبیر وزیر روشن ضمیر او میرزا مهدیخان بود نگارنده در بعضی مجالس از بزرگان شنیده ام که گویند بجهاد و کثری سال است ایرانیان در کمال راحت و رقابیت زندگی می کنند از برکت تأسیس وزارت امیر کبیر است که درین قرون مآخذ او امیر و وزیر و حکیمی هر ایران نیامده و گویند اگر امیر تا امروز زنده بود پادشاه ایران اولین پادشاهان مقتدر عالم به شمار بود. اروپائیان را الی الحین عقیده بر این است که مانند بسمارک صدرالمان مدبری نیامده. همه قائلند که ترقیات دولت کوچک آلمان از رای و تدبیر او می باشد. مراد از تلویح این مذاکرات نیست مگر اینکه ظاهر داریم که وزارت امیر مهم عظیم و نعمت بزرگ و عطای خداوندیست و شکر آن نعمت بحسن تدبیر و خدمت بدولت و صدق

و اخلاص در امر سلطان و رأفت و رحمت بر رعای داشتن است هر وزیریکه خلاف این اوصاف را دارا باشد در عاقبت امر وی مشکل صورت و از عمل خویش مسئول شود چنانکه جمیع الملک و حکما و انبیاء و اوصیاء قائلند که خداوند عقلا در مقام وزیر قرار داده و وزیر در محل عقل و روح را در محل پادشاه و پادشاه در مقام روح و اعضا را در مقام رعیت و رعیت را اعضاء سلطان قرار داده

لهذا حق عقل و تکلیف تدبیرش آن میباشد که هر چه خداوند منان امر نموده است او را رعایت فرماید و مخالفت نفس کند و خدمت روح و رعیت نماید (سیدم خادمکم) تا بسعادت دنیا و آخرت برسد. هرگاه روح مگرد شود عقل مسئول باشد و هراینه اگر اعضا متاثر شوند از عقل مأخذ خواهد شد هرگاه با تیر دشمن ملک بدن مسح شود عقل معذب خواهد شد لهذا حکماء الهیین گفته اند که روح مجرد معذب نخواهد شد بلکه با جسد و عقل کامل حتی تمیز دهد بدان که این جزای عمل من است از سوء اختیار من و از خدا عدالت است (و من یصل مقال ذرة خیرا یره. و یملک من هلك عن بینة) الحق اگر انسان خیرش بر عالمیان نرسد و تحصیل سروری دنیا و آخرت نکند شرف بر حیوانات سازه ندارد چنانکه حکماء تحقیق نموده اند که خداوند صالح از حکمت بالغه خود ملائکه را خلق نمود و بر ایشان عقل داد است من دون شهوت. و نفس و شیطانیت و خیانت و حیوانی را خلق کرده و بر او شهوت داده است من دون عقل.

اما السائر خلق نموده به انسان همه چیز داده و در آن جرم صغیر عالم اکبر را طی نموده است بر انسان عقل و شهوت عطا فرموده امر و نهی کرده قائل مختار قرار داده است بمضای خود لهذا بر جمیع آنچه در دنیا اجناس خلق شده انسان را مسلط کرده و سپس بر انسان امر نمود بعدالت و مدارای با سایر طبقات. لهذا اگر انسان کامل و مدبر حکیم باشد و خود را بشناسد و از خود خدا را بشناسد و عقل و فعل او مثل نور شمس عالم را روشن کند و ظلمت نفس و هوا را محو نماید و قدم صدق و اخلاص را پیش گذارد که ضغنا از فیض

حکمت وی قسمت برند چنان شخص در دنیا
اعرف همه مخلوقات زمان خود باشد و الی الابد آثار
خبر و ذکر نهای او باقی ماند و نزد خالق کل اشرف
از ملک قرار گیرد - و هرگاه انسان تابع نفس و هوا
شود و شهوت او بر عقلش غلبه کند و ظلمت نفسانی
و شیطانی او عالمیان را ایدی رساند و دل ضعفا را
بدرد آورد بناچار آنها دعا کنند و خداوند رحیم دعای
ضعفا را اجابت کند و رعیت را از ظلم ظالم نجات
دهد و ظالم بخسرات مین عاقبت خود مبتلا شود
البته از چنین انسان حیوان اشرف و افر می باشد
من قوله تعالی (المهم اضل سیلا)

اینست که مدیرین وزراء فرنگ مرید در عصر و
زمان خود در عالمیان افتخار میباید - چرا که دولت و
ملت را از ذل عبودیت بیرون آورده هر و شرف
انسانیت در ایشان ثابت کرده اند - حتی بعضی از ایشان
گفته اند که ما از عالم جسمانیت و نفسانیت و شیطانیت
خارج شده بعالم روحانیت و ملکیت رسیده ایم صدق
و صفا و حسن نیت و وفا و خدمت ما بر ملت
و دولت ظاهر گشت و رأفت و شفقت ما بر رعیت
بفسی در عالم شهرت نمود که احدی انکار نتواند کرد
و ملل خارجه در تحت حمایت ما از ما راضی و مستقنی
و بر دوام دولت ما دعاگو میباشند (باقی دارد)

مکتوب از نجف اشرف

(قابل توجه علمای اعلام و رجال خیرخواه)

(دربار گردون وقار ایران)

(ترباک و مال حال تریاکیان)

§ مؤید الا-الاما- عمده مقصود جناب از نشر روزنامه
مقدس راهنمایی ملت بشامراه سعادت - و تبه و تیعظ
از غفلت و جهالت است

لذا لازم آمد واقعه که امروز در شهر نجف
اشرف اتفاق افتاده بجهت عبرت تریاکیان بلکه برای
توجه رجال دولت و علمای شرع انور عرضه دارم
شیخ حیدر نام پسر آقا شیخ محمد نامی که از
خواص خدام آستانه حضرت رضا سلام الله علیه بود
و چند سال است که برای تحصیل علوم دینی در نجف
اشرف آمده و هر سال بالغ بر صد تومان وجه بجهت
خارج از و اله ایشان از خراجان فرستاده میشد - چون

مشارالیه مبتلای بمرض مضمون ترباک بود هماره بمرکز
میکندرانید و قالب اوقات بیزاران مقروض بود - در این
اواخر بواسطه نرسیدن وجه مصارف از خراجان خلی
بتکی و عسرت میکندرانید و در عرض کسب علوم به
تحصیل ترباک و کشیدن آن اوقات صرف مینمود و چون
اهالی عراق فطرتاً از تریاکیان نفرت دارند آخر الامر
مفاسی بروی زور آور شده و قارد باستخوانش
رسیده ساهی بهلاکت خویش میگرد -

چنانچه - امروز فرصت بدست آورده خود را
بالای مناره مهن مقدس رسانیده (آیسا من الحیوه طاماً
الی الموت) خویشتن را از ارتقاع بیست و پنج زرع
شاه سرا زیر نموده بروی سنگهای ایوان طلا انداخت -
چون در آن حین بنده داخل مهن شریف گردیده
دیدم انبوهی از خلایق در ایوان طلا جسد نزدیک رفته
ملاحظه شد که جسد درهم شکسته آقا شیخ حیدر اتاده
چون جو یا شده معلوم شد که در وقت صرا زیر شدن
به مرتبه یا علی میکوبد و در وقت فرود آمدن بروی
سنگها صدای مهربی بلند میشود و در همان آن جان
تسلیم میکند -

این شهید ترباک بحدی اعضای بدن و استخوانهایش
در هم خورد شده بود که تفصیل و تکفینش ممکن
نگردیده نا لباسهایش دفن نمودند دندانهایش در دهن
فرو رفته و قلمهای دست و پا و جمیع جوارحش
خورد شده بود

بفور و تأمل ملاحظه نماید که سبب خود کشی این
جوان بیست و پنجساله جزئی تریاک چه بود

از یوم جلوس اعلیحضرت ولینعمت مهربان
اسلامیان پناه مظفرالدین شاه خلد الله ملکه هاربه بکران
فرمانهایونی و اوامر مؤکده در منع ترباک کفی ایرانیان
پوده و هشتم - اگر ده سال دیگر بدیخوال بگذرد سرایان
این مرض مهلك تمام ایرانیان داخله و خارجه را فرا
خواهد گرفت چنانکه ده سال پیش در نجف اشرف
بمکنفر تریاک بهم نمیرسید احوال عده آنها پیسید
رسیده و تماماً اچوانی اند - خلقی از کسانی مبتفرند
که در جندی قبله بچوانی انهارشک میبردند - در
شرع و عقلی حریمت کشیدن ترباک ثابت است بضمون
آیه (ولا تلتوا بالذکر الی التهلک) برای ملت نجیة ایران

هلاکتی بالاتر از مرض تریاک حکمی متصور نیست
ماهی اقبال و سعادت و موهب صفات رفیقه نکبت
و ضلالت ملت عیارة ایران است - بیم آن میباشد که
روزکاری بر ایرانیان پیش آید که مصدر تمام خرابیهای
آنان کشیدن تریاک باشد - بعضی از محسوسات مفاسد
و مضرتهای کشیدن تریاک را اینک عرض مینماید

اول (بیاعتنائی با حکام و آداب دین) یکی از احکام
دین اسلام روزه ماه مبارک رمضان است که تقریباً ساربع
تریاکیان مجبورند بجهت طاعت به تریاک در موعده خود
از روزه ماه رمضان دست بشویند - و چون این مرض
جالب تنبلی است از نماز و حج و غیره هم معذور میگردند
دویم (قطع نسل) تریاک چون مدتی مبتلای
کشیدن تریاک کردید کم کم قوای شهوانیه اش کاسته قطع
نسل از او میشود و ازین رو يوماً فیوماً از عده نفوس
کم شده هیئت جامعه ملت اسلام را از حیثیت عدد
قصان عظیم وارد می آورند

سیم (کسب غیرت) اما غیر ترا آزاریست که در
تریاکیان علی قدر مراتب یافت نمیشود و آن آثار
شجاعت - ناموس پرستی - کسب معیشت - و
بلند همتی است - این مراتب در تریاکیان مفقود الاثر
اند - پس چون مرد غیرتمند تریاک شود لاعلاج
غیرت را وداع خواهد گفت

چهارم [بازداشتن از کسب معیشت] چون تریاک
اکثر اوقات هنریز خود را بکشیدن تریاک و خمار آن
صرف میکند تبلی و بی همتی کربالاشرا گرفته اینست که
بامور کسب معیشت نمیتواند پرداخت - لهذا متمولین
مبتلای این مرض در فروختن املاک موروثی خود و
فقر در تکدی و دزدی و بعضی طرق غیر مشروع
دیگر بسر میبرند - چه بسا صاحبان دولت و ثروت که
مال و جان خودشان را درین راه صرف نمودند - چه
بسیار جوانان خوش سیمای که محل فقر خلق گردیدند -
ای بسا ملاکین معتمد ایران که محتاج بیک قرص نان شده اند
و بعد از صرف کرورها در وجه ترک آخر الامر حسرت
یکمشتال تریاک را بگور بردند - ای بسا خانها و
خانواد های بزرگ از سرایت این مرض مهلک پراکنده
و نابود شدند

پنجم [محو ثروت] چون اهل مملکت متضاد بکشیدن

تریاک شوند کلیتاً از جلب ثروت به وطن خود باز میمانند
و عوض جلب ثروت سعی بمحو ثروت شخصی و عمومی
میشود - و چون رفته رفته این مرض عمومی گردد محو
ثروت عمومی واجب شبه نافی نمینماید

ششم [کم دلی] یکی از مزایای تریاک اینست که
ترکبان را از پردلی و شجاعت بکلی بی بهره میدارد
چنانچه در همین شهر نجف اشرف کسانی که به پردلی
موصوف و بشجاعت معروف بودند - از اهباز تریاک اینست
از سایه خور ترسانند درینا از آن شجاعان شیرافکن
ایران که روباه صفت در گوشه ساقی خاها خزیده اند -
چند روز پیش یکی از خوانین خطه شیراز بزم زیارت
وارد نجف اشرف گردید - چون ایشان مبتلای بتریاک
بودند و هوای نجف اشرف با دارنده این مرض ناماز
است هر استعمال تریاک افراط نموده همه از قی نمودن
زیاد - بدروه زندانی گفت این نره شیر از نژاد یکی
از آن هو برادرانی است که معروف بشهدا و مسی
بحسن خان و حسین خان میباشد که در جنگ بوشهر
داد مردانگی داده دمار از روزگار لشکر مخالف
د آوردند و در راه وطن شهید گردیدند (به بین
تفاوت ره از کجاست تا کجا) - (باقی دارد)

مکتوب از کربلا

شازدهم ذیحجه که دو روز بعد غدیر مانده زوار
زیاد چه در راه شط و چه در راه خشکی طازه نجف
اشرف بودند - طوفان شدیدی برخاسته که طام
تیره و تار شد مخلوق در اضطراب افتادند و این طوفان
از صبح تا عصر طول کشید بعد از دو روز معلوم
گردید که در راه نجف اشرف در شط فرات دو بلم
که حامل زوار بودند غرق شده و در دو بلم دیگر چند
فقر مرد و زن و بچه بوده اند بعضی غرق و بعضی نجات
یافته اند -

قصه هر سال این واقعات و حادثات پیش می آید
تا زکی ندارد - و در راه شور که راه خشکی باشد دو
فقر را در حین طوفان نزدیک نجف اشرف بقتل
رسانیده اند معلوم نیست کی ایشان را کشته یکی بین
کربلا و نجف و دیگری نزدیک بگوفه - چون راه
آهن کشیده شود ازینگونه بلیات زوار آسوده می شوند
از کربلا الی نجف سبزه فرسنگ است ایلم زیارتی

نرخ اجناس و قیمت گوشت و روغن در تنزل است. انشاء الله سایر اجناس هم روبه تنزل خواهد نهاد.

◀ مکتوب از شام ▶

حاجی میرزا هاشم خان (مفخم الملك) برای ملاقات جناب برلس ارفع الدوله سفیر کبیر روانه اسلامبول شده از قرار خطوط آصوب جناب سفارت بنامی درباره ایشان مبحثهای فوق العاده نموده اند - حق این است حقیر مدت چهارده سال مییاشد در شام آمده دو سه قر از مأمورین را دیده مانند ایشان احدی را نیافته ام بخورد قلبش رحیم و بالصف است - در صدد ایدای خلق خدا نیست - امسال حاج ایرانی خیلی از طریق شام آمدند هرگاه دیگری کارگذار بود مبلغ هنگفتی پول از حمله دارها میگرفت - مفخم الملك حمله دارهای بی سر و پاییکه هر کدام بخواهالی صد قرحاج گرفته از عهده برنمیآمدند که بقرار هر ساله عمل نمایند موقوف نمود و سه چهارم قر حمله دار که معتبر بودند آورده بقرار هر ساله چیزی کم و زیاد نموده حاج را آنها سپردند -

حاجی غلامعلی طهرانی که یکصد و بیست قرحاج برداشته و خود حقیر واسطه بودم از قراریکه شنیده شد در (معان) بزمین ماند - اگر حاجی خلیل آقا و حاجی علی آقا در راه همراه حمله دارها نبودند یکدو قر دیگه هم زمین می ماندند - و از قرار مسموع بآنها دست گیری نموده بهر قسمیکه بود همراه برده اند یکجا قبل جناب حاجی میرزا موسی خان فرزند ارجمند جناب حاجی میرزا هاشم خان از مأموریت بصره استعفا نموده وارد شام شد - ده روز در شام توقف و گویا خیال داشت چندی بماند تکرانی از اسلامبول رسید که فوراً روانه شود خیلی جوان معقول مقصدن با کمال است ای کاش اینگونه اولاد خداوند بهمه عطا فرماید (الحاج قربانعلی هراتی)

◀ مکتوب ▶

(حاده شکفت)

از نکارش وصیت نامه بطر کبیر در جریده همه ضربه محسوس میشود خصوصت زیاد و کینه و بغض فراوان از مسایه شمالی ما در قلوب سکنه خلیج جای گرفته اگر چه بعضیها کان میسکند به اشاره انگلیسها این عنوان نوشته شده چه عقیده آنها بر این

مال سواری یکی ده قران بلکه زیاده کرایه می شود کاری را دو تومان و سه تومان میدهند با وجود اینکه صدمه زیاد دارد - چنانچه راه آهن باشد دو روز راه به یکساعت و نیم طی می شود و کرایه هم ارزان و مناسب می گردد و از جمیع صدمات زائرین و چهارین آورده خاطر می شوند - خداوند انشاء الله جمیع امورات مسلمین را اصلاح فرماید و هم را از خواب غفلت بیدار کند

سابق بر این در باب قانون تازه که دایر شده عرض نموده و در روز نامه مقدس هم درج شده بود که هرگاه رعایای ایرانی بخواهند خرید و فروش ملکی را نمایند باید اثبات تبعیت خود را نموده به موجب مفصلاً عرض نموده است - و این مطلب ثبوت تابعیت تخصیص به ایرانیت ندارد رعیت هر دولتی که باشد باید تبعیت خود را بثبوت رساند

بتازکی قانون دیگر گذارده شده و آن این است که هرگاه یکی از رعایای ایران بخواهد خرید و فروش ملکی نماید بعد از ثبوت تبعیت باید بیست و پنج فروش صاع به کاربرد از محل داده تذکره دیگر بگیرد و سه مجیدی هم رسم ادا نموده که کاربرد از بفرستد بعداد در قونسل خانه بمهر الجی رسیده برگرداند و این سه مجیدی حق قونسل بعداد میباشد که از جانب دولت علیه ایرالت - و بیست و پنج فروش حق کاربرد از محل است که از جانب الجی بعداد قائم در آن بلد است فرقی که دارد اثبات نمودن تبعیت بکمرته کافیت و بعد از آن هرگاه لازم شود و بخواهد ملکی بخرد یا بفروشد بارهن گذارد و لوسی سال هم گذشته باشد اثبات ثانوی لازم ندارد - این تذکره که تازه دایر شده چنین نیست اسکر روزی یک مرتبه ملکی را خرید و فروش کند باید یک تذکره تازه گرفت و مصارف مزبوره را متحمل گردد مثلاً اگر سالی صد خانه یا ملک خرید و فروش کند باید صد تذکره گرفت و این مصارف را متحمل شود تا حال معلوم نیست که این قانون از جانب دولت علیه ایران میباشد و یا از مستحکات حکومت عثمانی است اگر چنانچه از جانب دولت ایران باشد نیکوست و میتوان گفت تا یک اندازه است حکام امور رعایا مدنظر میباشد

است که در همانجا از قونسولخانه مخف و هدایا به بعضی از رجال پوهنر داده شد لیکن مد اینوقع کان بلکه یقین ما بر این است که مدیر خالص و بیفش و محض وطن پرستی نوشته است در هر صورت در بدو ایجاد قونسولخانه همسایه شمالی در خلیج فارس دچار اینگونه سخته شدن که یکمرتبه اهالی از آن متفر شوند نیست مگر از فضل باریتعالی و جریده را اسباب و آله فضل الهی توان شمرد تاکنون ساکنین این صوب همسایه جنوبی را طالب محکمیت و خصم سلطنت خود میدانستند اینک همسایه شمالی را خصم ملت و آئین خود دانستند نتایج محسوسه آیه را در موقع وقوع خواهدنکاشت

▶ طوفان در رنگون ◀

§ شب ششم شهری ماه جاری در رنگون بشدن طوفان شد که از سنه (۱۸۸۷) تا کنون نظیرش را اهالی یاده نمیدهند. تمام روز ششم نیز بهمان شدت باقی بود عصر همان روز باز شدت کرده درجه هوا به یکصد و دو رسید سپس آندی تخفیف یافته به هشتاد قرار گرفت بندرگاههای رنگون خیل شکسته و نقصانات زیاد یافته اند علاوه بر این بمبارات دولتی و دفتر خانهای حکومتی نیز خرابی کلی وارد آمده است جهاز آتشی کوچکی همیقل ولی کسی در آن تلف نکرده است دو عسکه خراب و دو عسکه دیگر مفقود الا اراند سفاخانه که مخصوص به امراض ساریه بود یککدمه ویران شده - اماکن و عمارات بسیار از اهالی شهر نیز خراب گردیده - زیر آوار خانه سه نفر از چینیان هلاک شده اند اماکنی که در کنار دریا و سقفشان از تحت های آهنی بود خیل برباد شده است تمام راهها لز تحت های آهنی و آجر و سنگ پر شده اینک نمیتوان تخمینه قصان این طوفان را نمود سپس اندازه بدست خواهد آمد و معلوم خواهد شد عسکه سخت ترین طوفانهای این دوره بوده است جهازیکه حامل پسته از مدراس بود بلکه روز دیر رسیدنقصان از طوفان نیز یک است

صبح هفتم طوفان ساکت شد و ظهر باران کم کردید دویمت لی بیصد هزار رومیه صرف برمت عسکهها خواهدبود - بعضی جهازات که برنج و بازاریاشیام

حمل داشته بی آثار آمد و هشت جهازات آتشی کوچک نیز شکست است - سیم های تلگراف و خطوط راه آهن نیز خیلی بازرگردیده سوای سه چهار عسکه تمام عسکههای رنگون را طوفان نقصان زده خرابی رسانیده است بیمار خانه که برای مرضای طاعونی تعمیر با چهار باب عمارات طالبه عسکه در نومبر ماه گذشت ساخته بودند کاملاً خراب شده باغ (دلپوزی بارک) نیز نقصان زیاد یافته خیلی طول زمان میخواهد که بقشکی و خوشکلی اول باز گردد

حساره که بر طایا رسیده باین زودها تخمین نمیتوان نمود بطریق اختصار کتر عمارت و خانه میباشد که ازین طوفان صدمه نیافته است - شدت این طوفان از طوفان سنه (۱۸۸۷) خیلی بیش بوده جهازیکه حامل پست کلکته و (مدوره) نام داشت امروز وارد رنگون گردید دوشنبه و سه شنبه مبتلای بطوفان بود ولی چون طوفان پیشایش او حرکت میکرد نقصانی بروی وارد نکرده است

▶ ایضاً طوفان ◀

§ در (پورولیه) که از مضائق بنگال است چند یوم قبل بساعت سه و نیم بعد از ظهر طوفان سختی برخاسته نقصان زیادی رسانیده - است محله که اروپائیان توقف دارند بعد از طوفان قابل نمانشا بود - تمام خیابانها از درجهای کهن که بیخ کن و عمارات طالبه که پست شده بود روی هم ریخته غریب حالتی نمودار بود جوی نیز درین طوفان جان باختند به عمارات و حاصل درختهای انبه نیز بسیار نقصان وارد آمده است

▶ بلوای چین ◀

§ بموجب اخباراتیکه از (نه ننگ) و (اوجو) که برکنار رودخانه مغربی چین واقع اند رسیده بلوای صوم (کوانکس) بالا گرفته چنانچه وقایع تکار اخبار (جینلیل) حالات بلوای (جوان شان هن) را بیان مینماید بالغ بر هزار نفر بلا تصور از دست بلوایشان بقتل رسیدماتد - و در ولایات (نینکیپو) و هونان - و کانسو) نیز شورش برپا شده - افواه است عسکه اردویی مخصوص شامی بر بلوایشان حمله نموده متفرق ساخته اند - بسیاری از دهات مسیحی و عیسویان بومی مسلط و اماکن خود را کتارده بمقتضی (شکفتی)

جنورا دھوت بلند نمودند - دور نیست اگر رولق افروز انگلستان کردند شاهراده ولیمپد را نیز در رقب خود خواهند برد

§ یکی از خیرین بمبئی بطریق گنام در احاطه مدرسه کاینایان پنج هزار روپیه بدل همت نموده است
§ در هفته که آخر آن سوم مئی ماه جاری بود مبتلایان مرض طاعون در (کراچی) یکصد و سی و سه نفر بشمار آمده و تلفات آنها یکصد نفر بوده اند در عرض یکم هفته مزبور عدد اموات (کراچی) از هر جهت یکصد و هفتاد و نه نفر بوده اند

§ مهاراجه کشمیر با برادر خود محض شرکت در درباریکه فرمانفرمای هند در پشاور منعقد خواهند نمود رولق افروز پشاور گردیده اند

§ در (کراچی) که از مضائق مدراس است بواسطه قلت باران آگار خط نمودار است

§ در اواخر اکتوبر اروموی با شکوه جشن تاجگذاری دهل را قائم خواهند نمود و کم کم جزئیات آن را انجام داده رفع نقائص خواهند کرد

§ فرمانفرمای هند مع (لارد سنک) بعهده معاودت نموده تمام حکام انگلیسه سکه در تابستان بشه می آیند همه جمع میباشند

§ صندوقچه که تهنیت نامه اهالی مدراس در آن کفاره خواهد شد و در جشن تاجگذاری تقدیم خواهند نمود تمام شده صندوقچه مزبور از تفرقه خالص و مقش به نقشه بخانه بزرگ مدراس می باشد و یکی از صنایع جنوب هند اورا ساخته و سه هزار و پانصد روپیه صرف آن شده است

§ در اخبار رسمی هند اعلان شده که (جنرل برمن) بامارت قنون هند در عهده و مقام (جنرل جبراه) مقرر گردیده است

§ برای مصارف فوجی از قنون پیاده مدراس که سواره شوند حکومت هند یکصد و پنجاه هزار روپیه منظور نموده است

§ در دربار تاجگذاری دهل چهار هزار سواران شامی نیز شامل خواهند گردید

§ قنون انگلیسی هر قدر تصاقب احمد خان قاتل فریدون خان نمودند بی حاصل شد افواهاست تا بین لومه

از اطرافش پراکنده گردیده اند کوی احمدخان در سرحد افغانستان فرار نموده تاجار قنون انگلیسی از تصاقب او باز ایستاده اند

§ نواب حاجی فتحعلیخان غریبش رئیس اعظم لاهور بقصد مشارکت در جشن تاجگذاری پادشاه انگلستان از (لاهور) حرکت نموده اند

§ نقصانی که از طوفان تازه بمبارت حکومتی رنگون وارد آمده بالغ بر نصد هزار روپیه تخمین شده است

کلیکته

§ این ایام هوای کلیکته نسبت بسنوات گذشته درین موسم چندان گرم نیست شاید سبب این باشد که امسال بارندگی خیلی پیش شروع شده او ابتدای محرم تا کنون غالب ایام کم یا بیش ابر و باران بوده است

§ امراضی که مورث شکایت عمومی باشد نیست مرض طاعون نیز روز افزون تخفیف مییابد این ایام از سی الی سی و شش نفر مبتلایان طاعونی را مینویسند
§ چند نفر از اهالی انگلستان مرتفقاً خواستند برای سیر در کشتی سوار شده قریح طبی حاصل نمایند یکی از آنان در وقت سوار شدن بکشتی پایش لغزیده در آب فرو رفت تا کنون اثری از او نیاقه آمد و حال آنکه کشتی در کناره بود - رود خانه (کنک) کلیکته (مکر) بسیار دارد که تا قریب بکشتی آمده مقرر شد شکار می ماند یقین است آن بچاره طعمه (مکر) شده
§ هشتم شهر جاری طوفان شدیدی برخاسته باد و باران زیادی بارید در بیشتر کوجهها قسمی آب ایستاده بود که عبور دشوار بود ولی چندان طول تکفید که دفع گردید

§ یکی از اهالی هند بجرم آنکه زن صاحب شوهری را از خانه شوهرش بفریب بیرون آورده زیورات لورا گرفته است در عدالت پلیس علیپور موسال حکم بقیدش صادر شد

§ از صدمه شکستن يك مفتول ترموه برقی در خیابان (استراند رود) شخصی هلاک شده (مستروک) مقاطعه کننده ترموه برقی میگوید که چون تا کنون قوه برقیه در آن مفتولها ماده نهدده بود نمیتوان تصور کرد که مفتول از صدمه مفتول ترموه هلاک شده است باید عهد عدالت چه حکم نماید

اداره جبل المتین

مدیرکل کالج استریت نمبر ۴

کلیه امور اداره

مدیرکل مؤیدالاسلام است

منیجر اداره

آقا محمد جواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

۱۰ صفر المظفر ۱۳۲۰ هجری

مصادف با

۱۹ - مئی (۱۹۰۲ میلادی)

روزنامه مقدس

(سنه ۱۳۱۱)

قیمت اشتراك

(سالیانه - شش ماهه)

هند - و برمه

(۱۲ روپه - ۷ روپه)

ایران - افغانستان

(۴۰ قران - ۲۵ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

اروپا - و چین

(۲۵ فرنک - ۱۵ فرنک)

روسیه و ترکستان

(۱۰ منات - ۶ منات)

قبل از دریافت نمودن قبض مخصوصه اداره هیچ يك از خریداران نباید قیمت اخبار را واحدی تسلیم نمایند



ذمه دار صحت و سقم اطلاعاتیکه در اخبار داده میشود همان کسانی میباشد که اعلان داده اند

اجرای اداره ذمه دار صحت و سقم عنوانی هستند که از طرف خود میکنند نه عناوین و قایم نگاران و صاحبان مکاتیب و مقولات یا ترجمه از سایر حراید

(در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود)
(مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

فهرست مندرجات

- تکرافات • اخبارات خارجه • تجارت از راه
- نوشکی بخراسان • اعلان • ایضاً • اختراع مخصوص
- اعلان دیگر • نویس • اعلان مزاج جامی • شرکت
- فارخانات • شرح اجرت کتب و غیره • نرخنامه
- شکرنامه حجاج • ایضاً • شمه از حالات تاریخی
- مسلمانان چین • داستان شکفت و سرگذشت پنهان
- منقول از روزنامه مظفری • مقاله یکی از دانشمندان
- مکتوب • نقل از جریده مبارکه فلاح مظفری
- مکتوب از نجف اشرف • مکتوب از شریعه کوفه
- مکتوب از کیلان • سوانح عمری جناب حاجی
- زین العابدین آقا قتیاف • دیباچه • طاعون هندوستان
- خودکشی • دولین امریکا و چین • کارسازی پولیس
- اخبارات داخله • طاعون پنجاب • تقریظ • کلکته

تکرافات

(۱۰ - مئی)

جهازیکه برای تأیید اهالی (سنت پیر) رفته بود چهار صد و پنجاه نفر مصیبت زدگان آن جزیره و نواحی آنرا نجات داده به بندر (دی نرالس) رسانده باز عودت کرده است که شاید جماعتی دیگر را هم بتواند نجات داد

اهالی (رای هد) بر بوترائیکه اراضی آنها را

سوزانده بودند شب پنجم شهرجاری حمله نموده سی نفر آنانرا کشته و سه نفر را اسیر کرده و آنچه را بوژان از ایشان غنیمت برده بودند باز گرفتند

کسانیکه آتش افشانی جزائر (مارینک) را بچشم خود ملاحظه کرده بیان مینمایند که بفتناً آواز هولناکی بگوش رسیده و شروع بطوفان شدید شده از کوه بخار متصاعد گردیده بنای سنک ریزی و آتش افشانی در (سنت پیر) شد و این حادثه یازده دقیقه طول کشید که يك مرتبه تمام شهر مشعل گردیده خاکستر و گل کرم بر تمام جزائر (مارینک) ریختن آغاز هساد

کسانی را که ازین بلیه جهاز (سیوچت) نجات داد دوازده نفرشان عملجات جهاز انگلیسی موموه (راریه) بوده اند

والی (باربداس) تلکرافاً خبر میدهد که بی دربی مانند آواز توب صدای مهیبی از جانب جزیره (سنت ویسنت) بگوش میرسید سپس طوفان شده عالم را تاریکی احاطه کرده آواز رعد بوده سکوش را باره می نمود و بقدری در (باربداس) خاکستر فروریخت که چند کره بروی زمین با گرفت

(۱۱ - مئی)

در جزیره (سنت ویسنت) از هر طرف مواد

پناهندگان ساحل (مارینک) که همه صدمه زیاد دیده و متصد مرک بودند نجات داده به بندر (دی فرانس) رسانیده است

§ از تلگراف تازه معلوم میشود که در جزیره (سنت ویسنت) از صدمه کوه آتش نشان هزار و شصت نفر تلف شده اند

§ از جزیره (سنت پیر) همان سی نفر که ذکرشان سبقت یافته نجات یافتند و از آنها نیز هیچکس نمانده از صدمه هلاک شده و هشت نفر دیگر نیز قریب المارک اند § در کنار (سنت پیر) چند باب عمارت محفوظ مانده ولی ساختنیش همه هلاک گردیده اند

§ آنچه به تحقیق پیوسته دو هزار نفر در جزیره (سنت ویسنت) بهلاکت رسیده اند

§ (لارڈ کنچر) خبر میدهد که در عرض یک هفته عمده اسرای بوئر (۸۶۰) نفر بوده - سیصد و شصت نفر این جماعت را (جنرل آین هملتن) تعاقب نموده اسیر گرفته است در عرض دو ماه از اردوی (جنرل دلیری) سردار بوئر هشتصد و شش نفر کشته است

§ (جنرل بوتها) و (اسل) با سایر سرداران بوئر از مقام (مری اسمت) بجناب (وری نیک) روانه شده که در مجلس شورای بوئر در مسئله صلح شرکت نمایند § رئیس جمهوری فرانسه (بریسسنت لوبت) مهمت و در رخا جنرال فرانس (ام ویلکاسی) بزم ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس بجناب روسیه رهسپار گردیدند

(۱۴ - مئی)

§ دولت روس از راه رعیت پروری یکصد و بیست میلیون منات بقیه مالیاتیک بر فئمه رعایا بود بواسطه ترقی امور زراعت و دفع یریشای آنان بخشیده است

§ عقیده (لارڈ کنچر) براین است که در مجلس شورائیکه در (ورینیک) منعقد خواهد گردید جمیع سرداران بوئر از ترنسوال و آرنج موجود خواهند بود سرداران بوئر در آن مجلس فیصل خواهند نمود شرایط صلح را سپس به (لارڈ کنچر) پیش خواهد شد بعد از آن کمیون صلح روانه (پرتوریا) شده شرایط صلح را رسماً تقدیم خواهند نمود

§ سرداران بوئر از هرجانب برای شرکت شورای (وری نیک) وارد (پرتوریا) میشوند و عقیده جمعی

مذاهب در سیلان است - پنجم شهر جاری والی جزیره کیسیون برای تحقیقات این ماده مقرر داشته هفتم حقیقت حال را بدین متوال بیان نموده و فوراً اشاعت دادند تا مورت اطمینان اهالی کرده از این حادثه عظیم سی ررع دریا شتاب رنند بکصد و پنجاه نفر که بر بلندی استاده رمور مذاهب آنها را احاطه کرده بود به حکمت عملی نجات دادند - باب شورای امریکا امضا داشتند دولت آتارون یکصد هزار (دالر) در راه را - مصیبت زدگان (مارینک) صرف نباید و دو جهاز جنگی خودشان را برای راه آتارون به ان سوکسیلی داشت یک چهار جنگی دولت انگلیس نیز برای امداد اهالی (سنت ویسنت) روانه کرده است - پنج هزار نفر از اهالی جزیره (سنت پیر) بر تلهای مرتفع پناه گرفته مدرجاً هلاک گردیدند و بسیار را عقیده براین است که اتلاف نفوس و نقصان ارضی منحصر به (سنت پیر) بوده علاوه اهالی سه قصبه نزرک معدوم و نابود گردیده اند ابر و بخار و دود و خاکستر از چهار جانب ریگصد - پنجاه میل محیط بوده است

(۱۲ - مئی)

§ از نوشته جنابیکه از (سنت طامس) رسیده ظاهر میشود که مانع بر بانصت نفر در جزیره (سنت ویسنت) نیز هلاک شده اند کشتیهای کریک منور در فرایان سزور (مارینک) به جزیره (انیکا) میرسد و بسیاری هم فریق شده اند

§ (مخبر (روتر) در شهر (پرتوریا) میگوید که کمیون صلح بوئر اول است عایشیک برای ارتباط صلح پیش نموده همانا برقرار شدن حکومت مستقله آنهاست اگر دولت انگلیس این شرط اول را منظور نماید بوئران را صلاح به تسلیم خواهند نمود

§ کشتی هوئی (بلون) که سووم بود به (سیوراس) امروز صبح در شهر پاریس بلند شده چون بعد ارتفاع خود رسید باره گردیده کسیکه در او سوار بودند همه هلاک گردیدند

(۱۳ - مئی)

§ پادشاه (ایتالیا) یک هزار لیره بدفتر اطافه مصیبت زدگان جزائر (مارینک) بذل احسان فرموده جهازات جنگی فرانسه (فرانسیسی - ویتش) سه هزار نفر

امورات حکومتی را بقبضه اختیار خود خواهد گرفت
 § (جنرال آتولکنی) وزیر جنگ دولت ایتالیا
 مقرر گردید

§ (دیوک آف کنانت) وارد پای تخت اسپانیا
 (مادرید) گردید امروز مراسم احکافاری بعمل آمده
 پذیرائی سفرای دول مینمودند از همه بالاتر پذیرائی
 از (ه. ترگون) - میر امریکاشد که قبل ازین نیز بسفارت
 (مادرید) مأمور بوده یعنی در حق او احتراماً
 مخصوص مراعات شده و بعد از این (ایب) او را از همه
 سفرا بیشتر احترام کردند سفیر موصوف خط مخصوصی
 از جانب مستر [روزی ویات] رئیس جمهوری اتاژوی
 همراه داشت که در صدر آن نوشته بود [با دوست
 بسیار عزیز من] و در ذیل آن امضا شده بود (ار
 حاس دوست عزیز شما)

§ ارباب شورای (کبیدا) بیست و پنج هزار
 (ارل) منصور نموده اند که در وجه مصیبت زدگان
 جزائر (مارتیک) بیست و پنج هزار (در) برای
 اعانه فلک زدگان (سنت وینسنت) اعانه نمایند

§ (مستر بلفورد) در ضمن تقریر خود در
 دا الشورای ملی اظهار داشت که با رجوع بیک دولت
 اتاژونی اعانت هنگفت بمصیبت زدگان جزائر (مارتیک)
 نموده از همه رالی جزائر (و هندورد) حکم داده است
 که آنچه لازم شود در اعانه مصیبت زدگان صرف نماید
 (۱۶ - منی)

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) چهارصد لیره بدفع
 اعانه جزیره (سنت وینسنت) بذل و احسان نموده
 و تاکنون شش هزار لیره در دفتر اعانه که در لندن
 باز نموده جمع شده است

§ نشان (کولدن فلیس) را دولت اسپانیا به (دیوک
 آف کنانت) اعطا نموده است

§ مخبر (روتر) از (یکن) مینویسد که دول خارجه
 خاصه دولت روس مزاحمت و مخالفت می نماید در باره
 معاهده نانوی که میانه دولتین فرانس و انگلیس در
 باره راه آهن شده و (سراسنو) سفیر انگلیس و
 (یوان شیکشی) وزیرچین صحیح نموده اند - چه از روی
 این معاهده تا هشتاد میل فاصل راه آهن الی (یکن)
 و (شن هیکوان) اختصاص بدولت انگلیسی پیدا

براین است که امروز مجلس منعقد خواهد گردید
 § رئیس روحانی طایفه (کاتولیک) نصاری بیست هزار
 فرانک در دفتر اعانه که برای مصیبت زدگان همین
 هند باز شده بذل اعانه نموده است

§ والی جزائر (ویندوارد) وارد جزیره (سنت
 وینسنت) شده رسماً اطلاع میدهد که سمت شمالی
 (بلیر) و (جارج تون) مانند (سنت پیر) ویران
 و به آتش قارقه و تمام جانوران هلاک شده اند آنچه
 ظاهر شده هزار و شصت نفر قوسهم تلف گردیده اند
 ولی عده تلفات را بشوع تحقیق نمیتوان بیان نمود یک
 هزار نفر را مدفون ساخته و یکصد و شصت و هفت
 نفر در بیمارخانه زیر علاج اند از آن بیماران محتمل
 است شش نفر صحت یابند تفصیل و تشریح این حادثه
 خیلی دردناک است بهترین زراعات شکر در (کارو -

خراب شده و تمام مهمان و مالکان با اهل و عیالشان
 و اهالی متحول آنجا هلاک گردیده اند - آتش افشانی
 اندکی کم شده تخمیناً دو میلیون (تن) خاکستر در
 (بار بداس) از هوا ریخته است

(۱۰ - منی)

§ در جواب مستر چیرلین حاکم شهر لندن (لاردمیر)
 اظهار رضایت نموده سکه برای اعانه مصیبت زدگان
 (سنت وینسنت) دفتر اعانه باز نماید و از سائر
 حکومتیهای بلاد انگلستان نیز استعانت جوید

§ مخبر (روتر) اطلاع میدهد که دیروز در مجلس
 شورای بوژ اموری که مبنی بر صلح باشد و بتوان
 اطمینان بمصالحت حاصل نمود فیصل نشده ازین رو
 نمیتوان گفت که باین زودیها جنگ موقوف خواهد گردید
 و اهالی را اطلاع میدهد که باین زودی امید بصلح
 نباشته بمانند

§ (ارل آف هوبتون) از حکومت (استرلیا) استعفا
 نموده چه ارباب شورای پارلمان رضا نداده اند که
 مجدداً هدت هزار لیره بر مواجب وی بیفزایند - وزیر
 مستمرات دولت انگلیس (مستر چیرلین) پس از
 تلفظ براینکه چرا باید ارباب شورای (استرلیا) اضافه
 مواجب (ارل) موصوف را قبول نه نمایند استعفای
 ایشانرا منظور نموده اظهار داشته است سکه البته
 (لاردمتن) تا زمانیکه حکومت دیگر منتخب نشود

میناید که دول دیگر نتوانند راه آهن بکشند دولت روس اظهار داشته که اگر دولت انگلیس اصرار در این معاهده نماید از تخلیه منچوریا سرباز خواهد زد

❖ اخبارات خارجه ❖

§ از مردم شماری جدید فرانس معلوم میشود که (۲۵۹۰۶) نفوس انگلیسه در فرانسه اقامت دارند
§ در [مناسکوا] شازدهم شهر جاری چهار میلیون فشک در قورخانه موجود بوده از حریق برباد گردیده است

§ در مقام [دلاس نکسی] که واقع در امریکای شمالی است - بقی واقع شده بیست و پنج باب خانه و ۱۰۰۰۰۰۰ لیره نقصان وارد آورده است
§ بین مأمور ساسی [کولمیا] و ارباب حل و عقد سلطنت آازونی من باب ساختن پل [بنابا] معاهده شده است

§ قاتل وزیر داخله روس معلوم گردید که یکی از اعضای انجمن [نینک] بوده است

§ بالغ بر هفتاد نفر که بازن و بچه در جهاز سوار بوده بواسطه حرقی که بر جهاز واقع شده همه تلف گردیده اند

§ (حسین کامل پاشا) عم اکرم والا حضرت خداوت پاشی و فرزند ارجمند ایشان (کمال الدین) پاشا هربک صد لیره در دفتر اطمانه مدرسه صنعت مصر بذل فرموده اند
§ باصلی من باب السداد قمار بازی ارباب سیف و قلم احکام آئیده صادر نموده است. ایکاش اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران نیز اینگونه احکام صادر میفرمود که امروزه قماربازی در ایران منحصر شده است بارباب سیف و قلم

§ برای تعمیر و مرمت مسجد خرابه که در جزیره [ساقر] میباشد اعلیحضرت اقدس سلطان عثمانی [۹۷۷۰۰] فروش صاغ مرحمت فرموده اند

§ حسب اشرفی برنس ارفع الله له در سفارت کبرای اسلامبول مهمانی بسیار مفصلی از علما و بزرگان ایران که از زیارت ینا فقه وارد اسلامبول شده بودند نموده اند

§ مسلمانان روسیه در اطمانه راه آهن حجاز تاکنون چهل و چهار میلیون و ۲۹ هزار و ۲۲۱ فروش

صاغ و چهار باره بذل نموده اند

§ دولت علیه عثمانی جهاز جنگی بسیار ممتازی را بتارکی اقباع فرموده است

§ دولت آازونی برای فرو نشاندن بغاوت جزائر (فلپائن) پنج میلیون لیره از ملت قرض خواسته است
§ برای ازدیاد شکوه جشن تاجگذاری اعلیحضرت (ادورد هفتم) در لندن تدارک اردوئی که مرکب از چهل هزار قشون باشد دیده شده است

§ اخبارات انگلیسی مینویسند که اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران در اواخر شهری ماه جاری رونق افروز (رلن) خواهند کردید

§ در اسلامبول معادل چهل و پنج هزار روپیه از فروش پوست حیوانات قربانی عبدالضی جمع شده و در دفتر اطمانه راه آهن حجاز تسلیم نموده اند

§ دولت علیه ایران از مشهد الی (پیرجند) در تدارک کشیدن سیم تلگراف میباشد و این سیم ملحق خواهد شد به سیم تلگراف هندوستان برای تجارت و سیاست هند بخاک خراسان خیلی مفید واقع خواهد کردید

§ چون عمر زیادی که مصور به تصویر علیا حضرت ملکه متوفاه انگلستان است موجود میباشد مشکل می نماید که در بیست و ششم جون نمره ای که به تصویر شاهنشاه حالیه باشد اشاعت دهند

§ رسماً اعلان شده است که جهازاتیکه وارد اسلامبول از طریق مصر و بنادر بحر روم و اعمقابه میشوند پنج روز در قرطینة خواهند ماند

❖ تجارت از راه نوشکی بخراسان ❖

§ (مستردانجی بهائی) که یکی از متمولین و ساکنین (داولپندی) است سامی میباشد که راه تجارت نوشکی را بخراسان باز نماید چندی قبل قافله که دارای صد قتر از نیل و اتمه و اقشه و یراق و پشمینه و غیره بود از همین راه روانه بخراسان نموده کاروان مزبور بعد از معامله خوبی که در پیرجند نموده وارد مشهد کردید (کرتل شنویکسترنج) جنرل قونسل دولت انگلیس مقیم خراسان اطلاع میدهد که بموجب تجربه (مستر دانجی بهائی) تجارت هند بخراسان از این راه عنقریب ترقی کلی خواهد نمود

اعلان



در شهر مسکو (روسیه)

بخریداران محترم معرفی میشود (کنیاک) و (لیکور) روس از کارخانه شرکت

(ن. ل. شوستوف) با پسرانش

در اسپوزیسون (نایشگاه) پاریس اول درجه امتیاز باین شرکت اعطا

شده است

کتابچه امتعه که تفصیل نرخ و غیره در آن ثبت شده بخریداران مجاناً داده میشود

No 62928.

NOTICE.



RUSSIA MOSCOW.

WE RECOMMEND OUR

RUSSIAN

COGNACS and LIQUORS.

N. L. SHOUSTOFF & SONS.

Highest distinctions from universal exhibitions.

write for Catalogue.

ning advertising in "Hablul Matin" are to be "directed to the abovementioned Advertising Agency."

اعلان

مراج جانی در کلکتہ

§ بیست و یکم منی ماه سنہ (۱۹۰۲) انگلیسی مطابق دوازدهم صفر المظفر سنہ (۱۳۲۰) هجری مستقلاً در کلکتہ شروع بہراج جانی خواهد شد۔ خدا برا شکر کہ ارباب رجوع از خریدارہائیکہ سنہ ماضیہ کہ بذریعہ این کہانی عودہ اند شکایتی نداشتہ بلکہ تا اندازہ شاکر بودہ اند۔ لذا امیدواریم کہ درین سال فرمایشات و رجوعان خود را مضاعف فرمودہ اجزای کہانی را رہین امتنان خویش فرمایند محض اطلاع ارباب رجوع اعلان دادہ شد۔

ام۔ ان۔ موکو کہانی

نمبر ۲۹۱ ہوارار استری کلکتہ

شرکت کارخانجات

بلورسازی (آفتون کہ)

§ ظروف بلور و شیشہ - اشیاء مزینہ - پارخوری - لاپہ آلات - اقسام شیشہ معمولہ در دواخانہا - شیرینی خوری - شیشہ ہا جهت عطریات - تنک ہا جهت مشروبات - شیشہ ہا جهت تجزیہ و عمل شیمیک - ملازمان جراحہا با انواع و اقسام۔ در کارخانہ فوق الذکر حاضر است۔ و فرمایش ہمہ نوع اسباب بلور و شیشہ ہر قسم و ترکیب سکہ خواستہ باشند قبول میشود۔ مرکز کل کارخانہ و انبار در شہر (مسکو) میباشد۔

در کوچہ (میانسکایا) در خانہ (ناسہ بیکوف کہ)

No. 65369.

اعلان

(ملزومات جبہ ورزش بدنی در خانہ)

(از اختراعات دکتر ل۔ فیلات)

(داشتن این اسباب برای ہرکس لازم میباشد)

§ قیمت یکدستگاہ اسباب ورزش بقرار ذیل است

حجہ زنان و اطفال ۱۰ منات

برای مردان ۱۱ منات

برای اشخاص قوی ۱۲ منات

رای پہلوانان ۱۳ منات ۵۰ قبک

(اختراع مخصوصہ)

یکدستگاہ تمام ملزومات ورزش جبہ اہل خانہ ۱۴ منات

قیمت اسباب مذکورہ ماہخارج فرستادن روی ہم است

دستکش موسم "Jacques Royal" کہ

جبہ دستہائیکہ عرق میکند تیر ہفت

عمل فروش در مسکو (روسیہ) در مغازین

(ژاک) در کوچہ (پتروکا)

No. 46000

اعلان دیگر

§ جبہ توسعہ دائرہ تجارت بیوجاہ و امتعہ عالی

در ممالک روسیہ مایل بسروکار داشتن با خانہای تجارتی

معتبرکہ تجارت کلی با امتعہ مدکورہ داشته باشد میباشد۔

میتوانیم ہمہ نوع اعتبار خود را معلوم و معرفی شویم

آنانیکہ طالب عمل داشتن با ما باشند تکالیف

خود را متوقع مکتوباً توسط کنطور شرکت اعلانات

(ل۔ ا۔ منسل) اطلاع بدهند کہ کنطور مدکور

بہ (میو ک۔ ک) برساند۔

ادرس برای مکتوب بقرار ذیل است

در پترسبورغ (روسیہ) در صکوچہ (بالغایا)

(مارسکایا) خانہ نمبر ۱۱

No. 5152

NOTICE.

All advertisements from Europe or with origin from Europe will exclusively be accepted by the

Advertising Agency

L. & E. METZL & CO.
MOSCOW AND ST. PETERSBURG

By its branch-establishments and foreign agents. All inquiries from Europe concer-